

کتاب تنبیه

این است سخنانی که موسی به آنطرف

اردن، در بیابان عر به مقابل سوف، در میان فاران و توفل و لابان و حضیروت و دی
ذهب با تمامی اسرائیل گفت.

۲ از حوریب به راه جبل سعیر تا قادش بر نیع، سفر یازده روزه است.

۳ پس در روز اول ماه یازدهم سال چهل، موسی بنی اسرائیل را بر حسب هر آنچه خداوند
اورا برای ایشان امر فرموده بود تکلم نمود،

بعد از آنکه سیحون ملک اموریان را که در حشبون ساکن بود و عوج ملک باشان را
که در عشتاروت در اداری ساکن بود، کشته بود.

۵ به آن طرف اردن در زمین موآب، موسی به بیان کردن این شریعت شروع کرده،
گفت: دستور ترک حوریب

یهوه خدای ما، ما را در حوریب خطاب کرده، گفت: «وقف شما در این کوه بس شده
است.»

۷ پس توجه نموده، کوچ کنید و به کوهستان اموریان، و جمیع حوالی آن از عرب و کوهستان
و هامون و جنوب و نگاره دریا، یعنی زمین کنعانیان و لبنان تا نهر بزرگ که نهر فرات باشد،
داخل شوید.

۸ اینک زمین را پیش روی شما گذاشتم. پس داخل شده، زمینی را که خداوند
برای پدران شما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که به ایشان و بعد از آنها به ذریت
ایشان بدهد، به تصرف آورید.»

و در آن وقت به شما تکلم شده، گفتم: «ن به تنهایی نمی توانم متحمل شما باشم.

۱۰ یهوه خدای شما، شمار افزوده است و اینک شما امر و مثل ستارگان آسمان کثیر
هستید.

۱۱ یهوه خدای پدران شما، شمار هزار چند آنکه هستید بیفزاید و شمارا بر حسب آنچه
به شما گفته است، برکت دهد.

۱۲ لیکن من چگونه به تنهایی متحمل محنت و بار و منازعت شما بشوم.

۱۳ پس مردان حکیم و عاقل و معروف از اسباط خود بیاورید، تا ایشان را بر شمار و سا

سازم.»

و شما در جواب من گفتید: «خنی که گفتی نیکو است که بکنیم.»

پس روسای اسباط شما را که مردان حکیم و معروف بودند گرفته، ایشان را بر شمار و ساساختم، تا سروان هزارها و سروان صدها و سروان پنجاهها و سروان دهها و ناظران اسباط شما باشند.

۱۶ و در آنوقت داوران شمارا امر کرده، گفتم: دعوی برادران خود را بشنوید، و در میان

هر کس و برادرش و غریبی که نزدوی باشد به انصاف داوری نماید.

۱۷ و در داوری طرف داری مکنید، کوچک را مثل بزرگ بشنوید و از روی انسان مترسید، زیرا که داوری از آن خداست، و هر دعوی که برای شما مشکل است، نزد من بیاورید تا آن را بشنوم.

۱۸ و آن وقت همه چیزهایی را که باید بکنید، برای شما مفرمودم.

تجسس کنعان

پس از حوریب کوچ کرده، از تمامی این بیابان بزرگ و ترسناک که شما دیدید به راه کوهستان اموریان رفتیم، چنانکه یهوه خدای ما به ما مفرمود و به قادش بر نیر رسیدیم.

۲۰ و به شما گفتم: «ه کوهستان اموریانی که یهوه خدای ما به ما میدهد، رسید هاید.

۲۱ اینک یهوه خدای تو، این زمین را پیش روی تو گذاشته است، پس برای و چنانکه

یهوه خدای پدرانت به تو گفته است، آن را به تصرف آور و ترسان و هراسان مباش.»
 آنگاه جمیع شما نزد من آمده، گفتید: «ردان چند، پیش روی خود بفرستیم تا زمین را برای

ما جاسوسی نمایند، و ما را از راهی که باید برویم و از شهرهایی که به آنها میرویم، خبر بیاورند.»
 و این سخن مرا پسند آمد، پس دوازده نفر از شما، یعنی یکی را از هر سبط گرفتم،

و ایشان متوجه راه شده، به کوه برآمدند و به وادی اشکول رسیده، آن را جاسوسی نمودند.

۲۵ و از میوه زمین به دست خود گرفته، آن را نزد ما آوردند، و ما را مخبر ساخته، گفتند:

«مینی که یهوه خدای ما، به ما می دهد، نیکوست.»

عصیان قوم

لیکن شما نخواستید که بروید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید.

۲۷ ودر خیمه های خود همه کرده، گفتید: «ونکه خداوند ما را دشمن داشت، ما را از زمین مصر بیرون آورد، تا ما را به دست اموریان تسلیم کرده، هلاک سازد.

۲۸ و حال بکار برویم چونکه برادران ما را گذاخته، گفتند که این قوم از ما بزرگتر و بلند ترند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصار دار است، و نیز بنی عناق را در آنجا دیدهایم.» پس من به شما گفتم: «ترسید و از ایشان هراسان مباشید.

۳۰ یهوه خدای شما که پیش روی شما می رود برای شما جنگ خواهد کرد، بر حسب هر آنچه به نظر شما در مصر برای شما کرده است.»

و هم در بیابان که در آنجا دید چگونه یهوه خدای تو مثل کسیکه پسر خود را میبرد تو را در تمامی راه که می رفتی برمی داشت تا به اینجا رسیدی.

۳۲ لیکن با وجود این، همه شما به یهوه خدای خود ایمان نیاوردید.

۳۳ که پیش روی شما در راه می رفت تا جایی برای نزل شما بطلبد، و وقت شب در آتش تاراهی را که به آن بروید به شما بنماید و وقت روز در ابر و خداوند آواز سخنان شما را شنیده، غضبناک شد، و قسم خورده، گفت:

«بچکدام از این مردمان و از این طبقه شریر، آن زمین نیکورا که قسم خوردم که به پدران شما بدهم، هرگز نخواهند دید.

۳۶ سوای کالیب بن یفنه که آن را خواهد دید و زمینی را که در آن رفته بود، به وی و به پسرانش خواهم داد، چونکه خداوند را پیروی کامل نمود.»

و خداوند بخاطر شما بر من نیز خشم نموده، گفت که «وهم داخل آنجا نخواهی شد.

۳۸ یوشع بن نون که بحضور تو می ایستد داخل آنجا خواهد شد، پس او را قوی گردان زیرا اوست که آن را برای بنی اسرائیل تقسیم خواهد نمود.

۳۹ و اطفال شما که در باره آنها گفتید که به یغما خواهند رفت، و پسران شما که امروز نیک و بد را تمیز نمی دهند، داخل آنجا خواهند شد، و آن را به ایشان خواهم داد تا مالک آن بشوند.

۴۰ و اما شمار و گردانیده از راه بحر قلزم به بیابان کوچ کنید.»

و شما در جواب من گفتید که «خداوند نگاه ورزیدهایم، پس رفته، جنگ خواهیم کرد، موافق هر آنچه یهوه خدای ما به ما فرموده است، و همه شما سلاحه جنگ خود را بسته، عزیمت کردید که به کوه برآید.

۴۲ آنگاه خداوند به من گفت: «ایشان بگو که نروند و جنگ ننمایند زیرا که من در میان شما نیستم، مباد از حضور دشمنان خود مغلوب شوید.»

پس به شما گفتم، لیکن نشنیدید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید، و مغرور شده، به فراز کوه برآمدید.

۴۴ و اموریانی که در آن کوه ساکن بودند به مقابله شما بیرون آمده، شما را تعاقب نمودند، بطوری که زنبورها می‌کنند و شما را از سعیر تا حرم ماشکست دادند.

۴۵ پس برگشته، به حضور خداوند گریه نمودید، اما خداوند آواز شما را نشنید و به شما گوش نداد. و در قادش بر حسب ایام توقف خود، روزهای بسیار ماندید.

سرگردانی در بیابان

پس برگشته، چنانکه خداوند به من گفته بود، از راه بحر قزقم در بیابان کوچ کردیم و روزهای بسیار کوه سعیر را دور زدیم.

۲ پس خداوند مرا خطاب کرده، گفت:

«ورزدن شما به این کوه بس است، بسوی شمال برگردید.

۴ و قوم را امر فرموده، بگو که شما از حد و دران خود بنی عیسو که در سعیر ساکنند باید بگذرید، و ایشان از شما خواهند ترسید، پس بسیار احتیاط کنید.

۵ و با ایشان منازعه مکنید، زیرا که از زمین ایشان بقدر کف پای هم به شما نخواهم داد، چونکه کوه سعیر را به عیسو به ملکیت داده‌ام.

۶ خوراک را از ایشان به نقره خریده، بخورید و آب را نیز از ایشان به نقره خریده، بنوشید.» زیرا که یهوه خدای تو، تو را در همه کارهای دستت برکت داده است، و راه رفتنت را در این بیابان بزرگ میدانند، الا ان چهل سال است که یهوه خدایت باتو بوده است و به هیچ چیز محتاج نشد های.

۸ پس از برادران خود بنی عیسو که در سعیر ساکنند، از راه عربی به ازبیلت و عصیون جابر عبور نمودیم.

پس برگشته، از راه بیابان موآب گذشتیم، و خداوند مرا گفت: «وآب را اذیت مریسان و با ایشان منازعت و جنگ منما، زیرا که از زمین ایشان هیچ نصیبی به شما نخواهم داد، چونکه عار را به بنی لوط برای ملکیت دادهام.»

ایمان که قوم عظیم و کثیر و بلند قدم مثل عناقیان بودند، پیش در آنجا سکونت داشتند. ۱۱ ایشان نیز مثل عناقیان از رفائیان محسوب بودند، لیکن موآبیان ایشان را ایمان میخوانند. ۱۲ حوریان در سعیر پیشتر ساکن بودند، و بنی عیسو ایشان را اخراج نموده، ایشان را از پیش روی خود هلاک ساختند، و در جای ایشان ساکن شدند، چنانکه اسرائیل به زمین میراث خود که خداوند به ایشان داده بود، کردند.

۱۳ الان بر خیزید و از وادی زارد عبور نمایید. پس از وادی زارد عبور نمودیم.

۱۴ و ایامی که از قادش بر نیع راه میرفتیم تا از وادی زارد عبور نمودیم سی و هشت سال بود، تا تمامی آن طبقه مردان جنگی از میان اردو تمام شدند، چنانکه خداوند برای ایشان قسم خورده بود.

۱۵ و دست خداوند نیز بر ایشان میبود تا ایشان را از میان اردو بالکل هلاک کند. پس چون جمیع مردان جنگی از میان قوم بالکل مردند،

آنگاه خداوند مرا خطاب کرده، گفت:

«و امر و زارعار که سرحد موآب باشد، باید بگذری.»

۱۹ و چون به مقابل بنی عمون برسی ایشان را امر نجان و با ایشان منازعه مکن، زیرا که از زمین بنی عمون نصیبی به تو نخواهم داد چونکه آن راه بنی لوط به ملکیت دادهام.

۲۰ ن نیز زمین رفائیان شمرده میشود و رفائیان پیشتر ساکن آنجا بودند، لیکن عمونیان ایشان را زمزم میخوانند.

۲۱ ایشان قومی عظیم و کثیر و بلند قدم مثل عناقیان بودند، و خداوند آنها را از پیش روی ایشان هلاک کرد، پس ایشان را اخراج نموده، در جای ایشان ساکن شدند.

۲۲ چنانکه برای بنی عیسو که در سعیر ساکنند عمل نموده، حوریان را از حضور ایشان

هلاک ساخته، آنها را انخراج نمودند، و تا امروز در جای ایشان ساکنند.
 ۲۳ و عویان را که در دها تابه غزا ساکن بودند گفتوریان که از گفتور بیرون آمدند
 هلاک ساخته، در جای ایشان ساکن شدند. ()
 پس بر خیزید و کوچ کرده، از وادی ارنون عبور کنید، اینک سیحون اموری ملک
 حشبون وزمین اورا به دست تودادم، به تصرف آن شروع کن و با ایشان جنگ نما.
 ۲۵ امروز شروع کرده، خوف و ترس تو را بر قومهای زیر تمام آسمان مستولی میگردانم،
 و ایشان آوازه تو را شنیده، خواهند لرزید، و از ترس تو مضطرب خواهند شد.»
 پیروزی بر حشبون
 پس قاصدان با سخنان صلحاً میز از بیابان قدیموت نزد سیحون ملک حشبون فرستاده،
 گفتم:

« جازت بده که از زمین تو بگذرم، به شاهراه خواهیم رفت و به طرف راست یا چپ میل
 نخواهم کرد.

۲۸ خوراک رابه نقره به من بفروش تا بخورم، و آب رابه نقره به من بده تا بنوشم، فقط جازت
 بده تا بر پایهای خود بگذرم.

۲۹ چنانکه بنی عیسو که در سعیر ساکنند و موآبیان که در عار ساکنند به من رفتار نمودند،
 تا از اردن به زمینی که یهوه خدای ما به ما میدهد، عبور نمایم.»

اما سیحون ملک حشبون نخواست که ما را از سرحد خود راه بدهد، زیرا که یهوه خدای
 تو روح اورا به قساوت و دل اورا به سختی وا گذاشت، تا اورا چنانکه امروز شده است،
 به دست تو تسلیم نماید.

و خداوند مرا گفت: « ینک به تسلیم نمودن سیحون وزمین او به دست تو شروع کردم،
 پس بنابه تصرف آن نماتازمین اورا مالک شوی.»

آنگاه سیحون با تمامی قوم خود به مقابله ما برای جنگ کردن در یاهص بیرون آمدند.
 ۳۳ و یهوه خدای ما اورا به دست ما تسلیم نموده، اورا با پسراش و جمیع قومش زدیم.

۳۴ و تمامی شهرهای او را در آنوقت گرفته، مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک
 کردیم که یکی را باقی نگذاشتیم.

- ۳۵ لیکن بهایم را با غنیمت شهرهایی که گرفته بودیم، برای خود به غارت بردیم.
- ۳۶ از عرو و غیر که بر نگاره وادی ارنون است، و شهری که در وادی است، تا جلعاد قریهای نبود که به ما ممتنع باشد، یهوه خدای ما همه را به ما تسلیم نمود.
- ۳۷ لیکن به زمین بنی عمون و به تمامی نگاره وادی ییوق و شهرهای کوهستان، و به هر جایی که یهوه خدای ما نهی فرموده بود، نزدیک نشدیم.

پیروزی بر باشان

- پس برگشته، به راه باشان رفتیم، و عوج ملک باشان با تمامی قوم خود به مقابله ما بیرون آمده، در ادراعی جنگ کرد.
- ۲ و خداوند مرا گفت: «زاوترس زیرا که او و تمامی قومش وزمینش را به دست تو تسلیم نمودهام، تا بطوری که با سیحون ملک اموریان که در حشبون ساکن بود، عمل نمودی، با وی نیز عمل نمایی.»
- پس یهوه، خدای ما، عوج ملک باشان را نیز و تمامی قومش را به دست ما تسلیم نموده، او را به حدی شکست دادیم که احدی از برای وی باقی نماند.
- ۴ و در آنوقت همه شهرهایش را گرفتیم، و شهری نماند که از ایشان نگرفتیم، یعنی شصت شهر و تمامی مرز بوم ارجوب که مملکت عوج در باشان بود.
- ۵ جمیع اینها شهرهای حصار دار بادیوارهای بلند و دروازهها و پشت بندها بود، سوای قرای پیحصار بسیار کثیر.
- ۶ و آنهارا بالکل هلاک کردیم، چنانکه با سیحون، ملک حشبون کرده بودیم، هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاک ساختیم.
- ۷ و تمامی بهایم و غنیمت شهرها را برای خود به غارت بردیم.
- و در آن وقت زمین را از دست دو ملک اموریان که به آن طرف اردن بودند، از وادی ارنون تا جبل حرمون، گرفتیم.
- ۹ (این حرمون را صید و نیان سریون میخوانند و اموریان آن را سنیر میخوانند.) تمام شهرهای هامون و تمامی جلعاد و تمامی باشان تا سلخه و ادراعی که شهرهای مملکت عوج در باشان بود.

۱۱ زیرا که عوج ملک باشان از بقیه رفائیان تنها باقیمانده بود. اینک تخت خواب او تخت آهنین است آیا آن در ربت بنی عمون نیست. و طولش نه ذراع و عرضش چهار ذراع بر حسب ذراع آدمی می باشد.

تقسیم اراضی

و این زمین را در آن وقت به تصرف آوردیم، و آن را از عرو عیر که بر کنار وادی ارنون است و نصف کوهستان جلعاد؛ و شهرهایش را به رو بینیان و جادیان دادم.

۱۳ و بقیه جلعاد و تمامی باشان را که مملکت عوج باشد به نصف سبط منسی دادم، یعنی تمامی مرزبوم ارجوب را با تمامی باشان که زمین رفائیان نامیده میشود.

۱۴ یا اثیر بن منسی تمامی مرزبوم ارجوب را تا حد جشوریان و معکیان گرفت، و آنها را تا مرزیه اسم خود باشان، حووت یا اثیر نامید.

۱۵ و جلعاد را به ما کیر دادم.

۱۶ و به رو بینیان و جادیان، از جلعاد تا وادی ارنون، هم وسط وادی وهم کنارهاش تا وادی ییوق را که حد بنی عمون باشد، دادم.

۱۷ و عرب را نیز واردن و کنارهاش را از کثرت تادریای عربی که بحر الملح باشد، زیر دامنه های فسجه به طرف مشرق دادم.

و در آن وقت به شما امر فرموده، گفتم: «هوه خدای شمالین زمین را به شما داده است تا آن را به تصرف آورید، پس جمیع مردان جنگی شما میباشده، پیش روی برادران خود، بنیاسرائیل، عبور کنید.

۱۹ لیکن زنان و اطفال و مواشی شما، چونکه میدانم مواشی بسیار دارید، در شهرهای شما که به شما دادم، بمانند.

۲۰ تا خداوند به برادران شما مثل شما آرامی دهد، و ایشان نیز زمینی را که یهوه خدای شما به آن طرف اردن به ایشان میدهد، به تصرف آورند، آنگاه هر یکی از شما به ملک خود که به شما دادم، برگردید.»

و در آن وقت یوشع را امر فرموده، گفتم: «رانچه یهوه، خدای شما، به این دو پادشاه کرده

است، چشمان تو دید، پس خداوند با تمامی ممالکی که بسوی آنها عبور میکنی، چنین خواهد کرد.

۲۲ از ایشان مترسید زیرا که یهوه خدای شماست که برای شما جنگ میکند.»
 منع ورود موسی به کنعان

و در آنوقت نزد خداوند استغاثه کرده، گفتم:

«ی خداوند یهوه توبه نشان دادن عظمت و دست قوی خود به بنده ات شروع کرده‌ای، زیرا کدام خداست در آسمان یا در زمین که مثل اعمال و جبروت تو میتواند عمل نماید.

۲۵ تمنا اینکه عبور نمایم و زمین نیکورا که به آنطرف اردن است و این کوه نیکو و لبنان را ببینم.»

لیکن خداوند بخاطر شما با من غضبناک شده، مرا اجابت نمود و خداوند مرا گفت:
 «ورا کافی است. بار دیگر در باره این امر با من سخن مگو.

۲۷ به قله فسجه برای و چشمان خود را به طرف مغرب و شمال و جنوب و مشرق بلند کرده، به چشمان خود بین، زیرا که از این اردن نخواهی گذشت.

۲۸ اما یوشع را امر فرموده، او را دلیر و قوی گردان، زیرا که او پیش این قوم عبور نموده، زمینی را که تو خواهی دید، برای ایشان تقسیم خواهد نمود.»
 پس در دره، در برابر بیت فغور توقف نمودیم.

فرمان اطاعت

پس الانای اسرائیل، فرایض و احکامی را که من به شما تعلیم میدهم تا آنهارا بجا آورید بشنوید، تا زنده بمانید و داخل شده، زمینی را که یهوه، خدای پدران شما، به شما می دهد به تصرف آورید.

۲ بر کلامی که من به شما امر میفرمایم چیزی میفزاید و چیزی از آن کم ننماید، تا او امر یهوه خدای خود را که به شما امر میفرمایم، نگاه دارید.

۳ چشمان شما آنچه را خداوند در بعل فغور کرد دید، زیرا هر که پیروی بعل فغور کرد، یهوه خدای تو، او را از میان تو هلاک ساخت.

۴ اما جمیع شما که به یهوه خدای خود ملصق شدید، امر و زنده ماندید.

اینک چنانکه یهوه، خدایم، مرا امر فرموده است، فریاض و احکام به شما تعلیم نمودم، تا در زمینی که شما داخل آن شده، به تصرف میآورید، چنان عمل نمایید.
 ۶ پس آنها را نگاه داشته، بجای آورید زیرا که این حکمت و فطانت شماست، در نظر قومایی که چون این فریاض را بشنوند، خواهند گفت: «راینه این طایفهای بزرگ، قوم حکیم، و فطانت پیشهاند.»

زیرا کدام قوم بزرگ است که خدا نزدیک ایشان باشد چنانکه یهوه، خدای ما است، در هر وقت که نزد او دعای کنیم؟
 و کدام طایفه بزرگ است که فریاض و احکام عادلای مثل تمام این شریعتی که من امروز پیش شما میگذارم، دارند؟

لیکن احتراز نما و خویشتن را بسیار متوجه باش، مباد این چیزهایی را که چشمانت دیده است فراموش کنی و مباد اینها در تمامی ایام عمرت از دل تو محو شود، بلکه آنها را به پسرانت و پسران پسرانت تعلیم ده.

۱۰ در روزی که در حضور یهوه خدای خود در حوریب ایستاده بودی و خداوند به من گفت: «و مرا نزد من جمع کن تا کلمات خود را به ایشان بشنوام، تا بیا موزند که در تمامی روزهایی که بروی زمین زنده باشند از من بترسند، و پسران خود را تعلیم دهند.»
 و شما نزدیک آمده، زیر کوه ایستادید، و کوه تابه وسط آسمان به آتش و تاریکی و ابرها و ظلمت غلیظ میساخت.

۱۲ و خداوند با شما از میان آتش متکلم شد، و شما آواز کلمات را شنیدید، لیکن صورتی ندیدید، بلکه فقط آواز را شنیدید.

۱۳ و عهد خود را که شمارا به نگاه داشتن آن مامور فرمود، برای شما بیان کرد، یعنی ده کلمه را و آنها را بر دل لوح سنگ نوشت.

۱۴ و خداوند مرا در آنوقت امر فرمود که فریاض و احکام را به شما تعلیم دهم، تا آنها را در زمینی که برای تصرفش به آن عبور میکنید، بجای آورید.
 منع بپرسی

پس خویشتن را بسیار متوجه باشید، زیرا در روزی که خداوند با شما در حوریب از میان

آتش تکلم مینمود، هیچ صورتی ندیدید.

۱۶ مبادا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده، یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکر یا اناث بسازید.

۱۷ یا شبیه هر بهیمه‌های که بر روی زمین است، یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان میبرد.

۱۸ یا شبیه هر خزنده‌های بر زمین یا شبیه هر ماهی‌ای که در آب‌های زیر زمین است.

۱۹ و مبادا چشمان خود را بسوی آسمان بلند کنی، و افتاب و ماه و ستارگان و جمیع جنود آسمان را دیده، فریفته شوی و سجده کرده، آنها را که یهوه خدایت برای تمامی قوم‌هایی که زیر تمام آسمانند، تقسیم کرده است، عبادت نمایی.

۲۰ لیکن خداوند شمارا گرفته، از کوره آهن از مصر بیرون آورد تا برای او قوم میراث باشید، چنانکه امر و زهستید.

و خداوند بخاطر شمار من غضبناک شده، قسم خورد که از اردن عبور نکم و به آن زمین نیکو که یهوه خدایت به تو برای ملکیت می‌دهد، داخل نشوم.

۲۲ بلکه من در این زمین خواهم مرد و از اردن عبور نخواهم کرد، لیکن شما عبور خواهید کرد، و آن زمین نیکو را به تصرف خواهید آورد.

۲۳ پس احتیاط نمائید، مبادا عهد یهوه، خدای خود را که با شما بسته است فراموش نمائید، و صورت تراشیده یا شبیه هر چیزی که یهوه خدایت به تو نمی کرده است، برای خود بسازی.

۲۴ زیرا که یهوه خدایت آتش سوزنده و خدای غیور است.

چون پسران و پسران پسران را تولید نموده، و در زمین مدتی ساکن باشید، اگر فاسد شده، صورت تراشیده، و شبیه هر چیزی را بسازید و آنچه در نظر یهوه خدای شما بد است بجا آورده، او را غضبناک بسازید،

آسمان و زمین را امر و زهر شما شاهد می‌آورد که از آن زمینی که برای تصرف آن از اردن بسوی آن عبور می‌کنید البته هلاک خواهید شد. و روزهای خود را در آن طویل نخواهید ساخت، بلکه بالکل هلاک خواهید شد.

۲۷ و خداوند شمارا در میان قوم‌ها پراکنده خواهد نمود، و شما در میان طوایفی که خداوند شمارا به آنجا میبرد، قلیل العدد خواهید ماند.

- ۲۸ و در آنجا خدا یان ساخته شده دست انسان از چوپ و سنگ را عبادت خواهید کرد، که نمی بینند و نمی شنوند و نمی خورند و نمی بویند.
- ۲۹ لیکن اگر از آنجا بیهوده خدای خود را بطلبی، او را خواهی یافت. بشرطی که او را به تمامی دل و به تمامی جان خود تفحص نمایی.
- ۳۰ چون در تنگی گرفتار شوی، و جمیع این وقایع بر تو عارض شود، در ایام آخر بسوی بیهوده خدای خود برگشته، آواز او را خواهی شنید.
- ۳۱ زیرا که بیهوده خدای تو خدای رحیم است، تو را ترک نخواهد کرد و تو را هلاک نخواهد نمود، و عهد پدرا نرت را که برای ایشان قسم خورده بود، فراموش نخواهد کرد. زیرا که از ایام پیشین که قبل از تو بوده است از روزی که خدا آدم را بر زمین آفرید، و از یک کتاره آسمان تا به کتاره دیگر پیرس که آیامثل این امر عظیم واقع شده یا مثل این شنیده شده است؟
- آیا قومی هرگز آواز خدا را که از میان آتش متکلم شود، شنیده باشند و زنده بمانند، چنانکه توشنیدی؟
- و آیا خدا عزیمت کرد که برود و قومی برای خود از میان قوم دیگر بگیرد با تجربهها و آیات و معجزات و جنگ و دست قوی و بازوی دراز شده و ترسهای عظیم، موافق هر آنچه بیهوده خدای شما برای شما در مصر در نظر شما بعمل آورد؟
- این بر تو ظاهر شد تا بدانی که بیهوده خداست و غیر از او دیگری نیست.
- ۳۶ از آسمان آواز خود را به توشنوانید تا تو را تا دیب نماید، و بر زمین آتش عظیم خود را به توشنایان داد و کلام او را از میان آتش شنیدی.
- ۳۷ و از این جهت که پدران تو را دوست داشته، ذریت ایشان را بعد از ایشان برگزیده بود، تو را به حضرت خود با قوت عظیم از مصر بیرون آورد.
- ۳۸ تا امتهای بزرگتر و عظیم تر از تو را پیش روی تو بیرون نماید و تو را در آورده، زمین ایشان را برای ملکیت به تو دهد، چنانکه امر و ز شده است.
- ۳۹ لهذا امر و زیدان و در دل خود نگاه دار که بیهوده خداست، بالا در آسمان و پایین بر روی زمین و دیگری نیست.

۴۰ و فریاض و اوامرا را که من امر و زبه تو امر میفرمایم نگاهدار، تا تو را و بعد از تو فرزندان تو را نیکو باشد و تارو زهای خود را بر زمینی که یهوه خدایت به تو میدهد تا به ابد طویل نمایی. **شهرهای ملجا**

آنگاه موسی سه شهر به آن طرف اردن بسوی مشرق آفتاب جدا کرد.

۴۲ تا قاتلی که همسایه خود را نادانسته کشته باشد و بیشتر با وی بغض نداشته به آن فرار کند، و به یکی از این شهرها فرار کرده، زنده ماند.

۴۳ یعنی باصر در بیابان، در زمین همواری به جهت رو بینیان، و راموت در جلعا به جهت جادیان، و جولان در باشان به جهت منسیان. **شریعت**

و این است شریعتی که موسی پیش روی بنیاسرائیل نهاد.

۴۵ این است شهادت و فریاض و احکامی که موسی به بنیاسرائیل گفت، وقتی که ایشان از مصر بیرون آمدند.

۴۶ به آن طرف اردن در دره مقابل بیت فغور در زمین سیحون، ملک اموریان که در حشبون ساکن بود، و موسی و بنیاسرائیل چون از مصر بیرون آمده بودند او را مغلوب ساختند.

۴۷ و زمین او را در زمین عوج ملک باشان را، دو ملک اموریانی که به آن طرف اردن بسوی مشرق آفتاب بودند، به تصرف آوردند.

۴۸ از عروعر که بر کناره وادی ارنون است تا جبل سیئون که حرمون باشد.

۴۹ و تمامی عر به به آن طرف اردن بسوی مشرق تا دریای عر به زیر دامنه های فسجه.

ده فرمان

و موسی تمامی بنیاسرائیل را خوانده، به ایشان گفت: ای اسرائیل فریاض و احکامی را که من امر و زبه گوش شما میگویم بشنوید، تا آنها را یاد گرفته، متوجه باشید که آنها را بجا آورید.

۲ یهوه خدای ما با مادر حوریب عهد بست.

۳ خداوند این عهد را با پدران ما بست، بلکه با ما که جمیع امر و زدر اینجاست هستیم.

۴ خداوند در کوه از میان آتش با شمار و بر و متکلم شد.

۵) ن در آن وقت میان خداوند و شما ایستاده بودم، تا کلام خداوند را برای شما بیان کنم، زیرا که شما به سبب آتش میترسیدید و به فراز کوه بر نیامدید (و گفت: «ن هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آوردم.

۷) تو را به حضور من خدایان دیگر نباشند.

«ه جهت خود صورت تراشیده یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان، یا از آنچه پایین در زمین، یا از آنچه در آبهای زیر زمین است مساز.

۹) آنها را سجده و عبادت منما. زیرا من که یهوه خدای تو هستم، خدای غیورم، و گاه پدران را بر پسران تاپشت سوم و چهارم از آنانی که مراد شمن دارند، میرسانم.

۱۰) و رحمت می کنم تا هزار پشت بر آنانی که مراد دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند.

«ا میهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به باطل برد، بیگانه نخواهد شمرد.

«و زسبت را نگاه دار و آن را تقدیس نما، چنانکه یهوه خدایت به تو امر فرموده است.

۱۳) شش روز مشغول باش و هر کار خود را بکن.

۱۴) اما روز هفتمین سبت یهوه خدای توست، در آن هیچکاری مکن، تو و پسر و دخترت و غلامت و کنیزت و گاو و الاغت و همه بهایمت و مهمانت که در اندرون دروازه های تو باشد، تا غلامت و کنیزت مثل تو آرام گیرند.

۱۵) و بیاد آور که در زمین مصر غلام بودی، و یهوه خدایت تو را به دست قوی و بازوی

دراز از آنجا بیرون آورد، بنابراین یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است که روز سبت را نگاه داری.

«درو مادر خود را حرمت دار، چنانکه یهوه خدایت تو را امر فرموده است، تا روز هایت دراز شود و تو را در زمینی که یهوه خدایت به تومی بخشد، نیکویی باشد.

«تل مکن.

۱۸) وز نامکن.

۱۹) و دزدی مکن.

۲۰) و بر همسایه خود شهادت دروغ مده.

۲۱ و برزن هسمایه ات طمع مورز، و به خانه هسمایه ات و به مزرعه او و به غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هر چه از آن هسمایه تو باشد، طمع مکن.»

این سخنان را خداوند به تمامی جماعت شما در کوه از میان آتش و ابر و ظلمت غلیظ به آواز بلند گفت، و بر آنها چیزی نیفزود و آنها را برد و لوح سنگ نوشته، به من داد.

۲۲ و چون شما آن آواز را از میان تاریکی شنیدید، و کوه به آتش میسوخت، شما با جمیع روسای اسباط و مشایخ خود نزد من آمده،

گفتید: اینک یهوه، خدای ما، جلال و عظمت خود را بر ما ظاهر کرده است، و آواز او را از میان آتش شنیدیم، پس امر وزدیدیم که خدا با انسان سخن میگوید و زنده است.

۲۵ و اما الان چرا میبریم زیرا که این آتش عظیم ما را خواهد سوخت، اگر آوازی یهوه خدای خود را دیگر بشنویم، خواهیم مرد.

۲۶ زیرا از تمامی بشر کیست که مثل ما آواز خدای حی را که از میان آتش سخن گوید، بشنود و زنده ماند؟

تو نزدیک برو و هر آنچه یهوه خدای ما بگوید، بشنو و هر آنچه یهوه خدای ما به تو بگوید برای ما بیان کن، پس خواهیم شنید و به عمل خواهیم آورد.

و خداوند آواز سخنان شما را که به من گفتید شنید، و خداوند مرا گفت: «از سخنان این قوم را که به تو گفتند، شنیدم؛ هر چه گفتند نیکو گفتند.

۲۹ کاش که دلی را مثل این داشتند تا از من میترسیدند، و تمامی او امر مرا در هر وقت بجا میآوردند، تا ایشان را و فرزندان ایشان را تا به ابد نیکو باشد.

۳۰ برو و ایشان را بگو به خیمه های خود برگردید.

۳۱ و اما تو در اینجا پیش من بایست، تا جمیع او امر و فریاض و احکامی را که میباید به

ایشان تعلیم دهی به تو بگویم، و آنها را در زمینی که من به ایشان میدهم تا در آن تصرف نمایند، بجا آورند.»

«س تو جبهه نماید تا آنچه یهوه، خدای شما، به شما امر فرموده است، به عمل آورید، و به راست و چپ انحراف ننمایید.

۳۳ در تمامی آن طریقی که یهوه، خدای شما، به شما امر فرموده است، سلوک نمایید،

تا برای شما نیکو باشد و ایام خود را در زمینی که به تصرف خواهید آورد، طویل نماید.

محبت و اطاعت خداوند

و این است او امر و فریاض و احکامی که یهوه، خدای شما، امر فرمود که به شما تعلیم داده

شود، تا آنها را در زمینی که شما بسوی آن برای تصرف عبور میکنید، بجا آورید.

۲ و تا از یهوه خدای خود ترسان شده، جمیع فریاض و اوامر او را که من به شما امر میفرمایم

نگاه داری، تو و پسر و پسر پسر، در تمامی ایام عمرت و تا عمرت دراز شود.

۳ پس ای اسرائیل بشنو، و به عمل نمودن آن متوجه باش، تا برای تونیکو باشد، و بسیار

افزوده شوی در زمینی که به شیره و شهد جاری است، چنانکه یهوه خدای پدرانت تو را وعده داده است.

ای اسرائیل بشنو، یهوه، خدای ما، یهوه واحد است.

۵ پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما.

۶ و این سخنانی که من امر و زورت را امر میفرمایم، بردل تو باشد.

۷ و آنها را به پسرانت به دقت تعلیم نما، و حین نشستنت در خانه، و رفتنت به راه، و وقت

خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نما.

۸ و آنها را بردست خود برای علامت ببند، و در میان چشمانت عصبابه باشد.

۹ و آنها را بر باهوهای در خانه ات و بر دروازه هایت بنویس.

و چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که برای پدرانت ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورد

که به تو بدهد، در آورد، به شهرهای بزرگ و خوشنمایی که تو بنانکرده ای،

و به خانه های پرازهر چیز نیکو که پر نکرده ای، و حوضهای کنده شده ای که نکندهای،

و تا کستانها و باغهای زیتونی که غرس نموده ای، و از آنها خورده، سیر شدی.

۱۲ آنگاه با حذر باش مبادا خداوند را که تو را از زمین مصر، از خانه بندگی بیرون آورد،

فراموش کنی.

۱۳ از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما و به نام او قسم بخور.

۱۴ خدايان ديگر را از خدايان طوايفي که به اطراف تومي باشند، پیروی ننماید.

۱۵ زیرا یهوه خدای تو در میان تو خدای غیور است، مبادا غضب یهوه، خدایت، بر تو

افروخته شود، و تو را از روی زمین هلاک سازد.

- یهوه خدای خود را میازماید، چنانکه او را در مساآزمودید.
- ۱۷ توجه نماید تا او امر یهوه خدای خود را و شهادت و فرایض او را که به شما امر فرموده است، نگاه دارید.
- ۱۸ و آنچه در نظر خداوند راست و نیکوست، به عمل آور تا برای تونیکو شود، و داخل شده آن زمین نیکورا که خداوند برای پدرانت قسم خورد به تصرف آوری.
- ۱۹ و تا جمیع دشمنانت را از حضورت اخراج نماید، چنانکه خداوند گفته است.
- چون پسر تو در ایام آینده از تو سوال نموده، گوید که مراد از این شهادت و فرایض و احکامی که یهوه خدای مابه شما امر فرموده است، چیست؟
- پس به پسر خود بگو: مادر مصر غلام فرعون بودیم، و خداوند ما را از مصر بادست قوی بیرون آورد.
- ۲۲ و خداوند آیات و معجزات عظیم و ردیای بر مصر و فرعون و تمامی اهل خانه او در نظر ما ظاهر ساخت.
- ۲۳ و ما را از آنجا بیرون آورد تا ما را به زمینی که برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد، در آورد.
- ۲۴ و خداوند ما را مورد داشت که تمام این فرایض را بجا آورده، از یهوه خدای خود بترسیم، تا برای ما همیشه نیکو باشد و ما را زنده نگاه دارد، چنانکه تا امر و زنده است.
- ۲۵ و برای ما عدالت خواهد بود که متوجه شویم که جمیع این او امر را به حضور یهوه خدای خود بجا آوریم، چنانکه ما را امر فرموده است.

تصرف امتهما

- چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که برای تصرفش به آنجا میروی در آورد، و امتهای بسیار را که حتیان و جرجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرزین و حویان و ویوسیان، هفت امت بزرگتر و عظیم تر از تو باشند، از پیش تو اخراج نماید.
- ۲ و چون یهوه خدایت، ایشان را بهدست تو تسلیم نماید، و تو ایشان را مغلوب سازی، آنگاه ایشان را بالکل هلاک کن، و با ایشان عهد مبند و برایشان ترحم منما.

۳ و با ایشان مصاهره نمود؛ دختر خود را به پسر ایشان مده، و دختر ایشان را برای پسر خود مگیر.

۴ زیرا که اولاد تو را از متابعت من بر خواهند گردانید، تا خدایان غیر را عبادت نمایند، و غضب خداوند بر شما فروخته شده، شمار از زودی هلاک خواهد ساخت.

۵ بلکه با ایشان چنین عمل نمائید؛ مذبحهای ایشان را منهدم سازید، و تمثالهای ایشان را بشکنید و اشیریم ایشان را قطع نمائید، و پتلهای تراشیده ایشان را به آتش بسوزانید.

۶ زیرا که تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی. یهوه خدایت تو را برگزیده است تا از جمیع قومهایی که بر روی زمینند، قوم مخصوص برای خود او باشی.

خداوند دل خود را با شما نبست و شمار را برنگزید از این سبب که از سایر قوما کثیر تر بودید، زیرا که شما از همه قوما قلیلتر بودید.

۸ لیکن از این جهت که خداوند شمارا دوست میداشت، و میخواست قسم خود را که برای پدران شما خورده بود، بجا آورد؛ پس خداوند شمارا با دست قوی بیرون آورد، و از خانه بندگی از دست فرعون، پادشاه مصر، فدیة داد.

۹ پس بدان که یهوه، خدای تو، اوست خدا، خدای امین که عهد و رحمت خود را با آنانی که او را دوست میدارند و او امر او را بجا میآورند تا هزار پشت نگاه میدارد.

۱۰ و آنانی را که او را دشمن دارند، بر روی ایشان مکافات رسانیده، ایشان را هلاک میسازد. و به هر که او را دشمن دارد، تاخیر نموده، او را بر ویش مکافات خواهد رسانید.

۱۱ پس او امر و فریاض و احکامی را که من امروز به جهت عمل نمودن به تو امر میفرمایم نگاه دار.

پس اگر این احکام را بشنوید و آنها را نگاه داشته، بجا آوری، آنگاه یهوه خدایت عهد و رحمت را که برای پدرانت قسم خورده است، با تو نگاه خواهد داشت.

۱۳ و تو را دوست داشته، برکت خواهد داد، و خواهد افزود، و میوه بطن تو و میوه زمین تو را و غله و شیر و روغن تو را و نتاج رمة تو را و بچه های گله تو را، در زمینی که برای پدرانت قسم خورد که به تو بدهد، برکت خواهد داد.

۱۴ از همه قومها مبارک تر خواهی شد، و در میان شما و بهایم شما، نریا ماده، نازاد نخواهد بود.

۱۵ و خداوند هر بیماری را از تو دور خواهد کرد، و هیچکدام از مرضهای بد مصر را که میدانی، بر تو عارض نخواهد گردانید، بلکه بر تمامی دشمنانت آنها را خواهد آورد.

۱۶ و تمامی قومها را که یهوه بدست تو تسلیم میکند هلاک ساخته، چشم تو بر آنها ترحم ننماید، و خدایان ایشان را عبادت منما، مبادا برای تو دام باشد.

و اگر در دلت گویی که این قومها از من زیاد هاند، چگونه توانم ایشان را اخراج نمایم؟ از ایشان مترس بلکه آنچه رایهوه خدایت با فرعون و جمیع مصریان کرد، نیکو بیاد آور.

۱۹ یعنی تجربه های عظیمی را که چشمانت دیده است، و آیات و معجزات و دست قوی و بازوی دراز را که یهوه، خدایت، تو را به آنها بیرون آورد. پس یهوه، خدایت، با همه قومهایی که از آنها می ترسی، چنین خواهد کرد.

۲۰ و یهوه خدایت نیز زنبورها در میان ایشان خواهد فرستاد، تا باقی ماندگان و پنهان شدگان ایشان از حضور تو هلاک شوند.

۲۱ از ایشان مترس زیرا یهوه خدایت که در میان توست، خدای عظیم و مهیب است.

۲۲ و یهوه، خدایت، این قومها را از حضور توبه تدریج اخراج خواهد نمود، ایشان را بزودی نمی توانی تلف نمایی مبادا وحوش صحرا بر تو زیاد شوند.

۲۳ لیکن یهوه خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم خواهد کرد، و ایشان را به اضطراب عظیمی پریشان خواهد نمود تا هلاک شوند.

۲۴ و ملوک ایشان را به دست تو تسلیم خواهد نمود، تا نام ایشان را از زیر آسمان محو سازی، و کسی یاری مقاومت با تو نخواهد داشت تا ایشان را هلاک سازی.

۲۵ و تمثلهای خدایان ایشان را به آتش بسوزانید، به نقره و طلائی که بر آنهاست، طمع مورز، و برای خود مگیر، مبادا از آنها به دام گرفتار شوی، چونکه نزدیک یهوه، خدای تو، مکروه است.

۲۶ و چیز مکروه را به خانه خود میاور، مبادا مثل آن حرام شوی، از آن نهایت نفرت و کراهت دار چونکه حرام است.

حفظ او امر خداوند

تمامی او امری را که من امروز به شما می فرمایم، حفظ داشته، بجا آورید، تا زنده مانده، زیاد شوید، و به زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورده بود، داخل شده، در آن تصرف نمایید.

۲ و بیاد آور تمامی راه را که یهوه، خدایت، تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود تا تو را ذلیل ساخته، بیازماید، و آنچه را که در دل تو است بداند، که آیا او امر اورانگاه خواهی داشت یا نه.

۳ و او تو را ذلیل و گرسنه ساخت و من را به تو خورانید که نه تو آن را می دانستی و نه پدرانت میدانستند، تا تو را بیاموزاند که انسان نه به نان تنها زیست میکند بلکه به هر کلهایی که از دهان خداوند صادر شود، انسان زنده میشود.

۴ در این چهل سال لباس تو در برت مندرس نشد، و پایی تو آماس نکرد. پس در دل خود فکر کن که بطوری که پدر، پسر خود را تادیب مینماید، یهوه خدایت تو را تادیب کرده است.

۶ و او امر یهوه خدای خود را نگاه داشته، در طریقهای او سلوک نما و از او بترس. زیرا که یهوه خدایت تو را به زمین نیکو درمی آورد؛ زمین پراز نهرهای آب و از چشمهها و دریاچهها که از درهها و کوهها جاری میشود.

۸ زمینی که پراز گندم و جو و مو و انجیر و انار باشد، زمینی که پراز زیتون زیت و عسل است.

۹ زمینی که در آن نان را به تنگی نخواهی خورد، و در آن محتاج به هیچ چیز نخواهی شد، زمینی که سنگهایش آهن است، و از کوههایش مس خواهی کند.

۱۰ و خورده، سیر خواهی شد، و یهوه خدای خود را به جهت زمین نیکو که به تو داده است، متبارک خواهی خواند.

پس با حذر باش، مباد یهوه خدای خود را فراموش کنی و او امر و احکام و فرایض او را که من امروز به تو امر میفرمایم، نگاه نداری.

۱۲ مباد خورده، سیر شوی، و خانههای نیکو بنا کرده، در آن ساکن شوی.

۱۳ و رمه و گله تو زیاد شود، و نقره و طلا برای تو افزون شود، و ما میملک تو افزوده گردد.

۱۴ و دل تو مغرور شده، یهوه خدای خود را که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون

آورد، فراموش کنی.

۱۵ که توراد ریبابان بزرگ و خوفناک که در آن مارهای آتشین و عقربها وزمین تشنه بیآب بود، رهبری نمود، که برای تو آب از سنگ خارا بیرون آورد.

۱۶ که توراد ریبابان من را خورانید که پدران تو آن را ندانسته بودند، تا تو را ذلیل سازد و تو را بیازماید و بر تو در آخرت احسان نماید.

۱۷ مبادا در دل خود بگویی که قوت من و توانایی دست من، این توانگری را از برایم پیدا کرده است.

۱۸ بلکه یهوه خدای خود را بیاد آور، زیرا اوست که به توفیق می‌دهد تا توانگری پیدا نمایی، تا عهد خود را که برای پدران تو قسم خورده بود، استوار بدارد، چنانکه امر و زنده است.

۱۹ واگر یهوه خدای خود را فراموش کنی و پیروی خدایان دیگر نموده، آنها را عبادت و سجده نمایی، امروز شما شهادت می‌دهم که البته هلاک خواهید شد.

۲۰ مثل قومهایی که خداوند پیش روی تو هلاک می‌سازد، شما هم چنین هلاک خواهید شد از این جهت که قول یهوه خدای خود را نشنیدید.

ای اسرائیل بشنو. تو امروز از اردن عبور می‌کنی، تا داخل شده، قومهایی را که از تو عظیم تر و قوی تر اند، و شهرهای بزرگ را که تا به فلک حصار دارا است، به تصرف آوری، یعنی قوم عظیم و بلند قد بنی‌عناق را که می‌شناسی و شنیده‌های که گفته‌اند کیست که یارای مقاومت با بنی‌عناق داشته باشد.

۳ پس امروز بدان که یهوه، خدایت، اوست که پیش روی تو مثل آتش سوزنده عبور میکند، و او ایشان را هلاک خواهد کرد، و پیش روی تو ذلیل خواهد ساخت، پس ایشان را اخراج نموده، بزودی هلاک خواهی نمود، چنانکه خداوند به تو گفته است.

پس چون یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج نماید، در دل خود فکر مکن و مگو که به سبب عدالت من، خداوند مرا به این زمین در آورد تا آن را به تصرف آورم، بلکه به سبب شرارت این امتهای، خداوند ایشان را از حضور تو اخراج مینماید.

۵ نه به سبب عدالت خود و نه به سبب راستی دل خویش داخل زمین ایشان برای تصرف

میشوی، بلکه بهسبب شرارت این امتهای یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج مینماید، و تا آنکه کلامی را که خداوند برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده بود، استوار نماید.

پس بدان که یهوه، خدایت، این زمین نیکو را بهسبب عدالت توبه تو نمی دهد تا در آن تصرف نمایی، زیرا که قومی گردن کش هستی.

۷ پس بیاد آور و فراموش مکن که چگونه خشم یهوه خدای خود را در بیابان جنبش دادی و از روزی که از زمین مصر بیرون آمدی تا به اینجاریسیدی به خداوند عاصی میشدیدی. و در حوریب خشم خداوند را جنبش دادید، و خداوند بر شما غضبناک شد تا شمار اهلاک نماید.

۹ هنگامی که من به کوه برآمدم تا لوحهای سنگ یعنی لوحهای عهدی را که خداوند با شما بست، بگیرم، آنگاه چهل روز و چهل شب در کوه ماندم، نه نان خوردم و نه آب نوشیدم.

۱۰ و خداوند دو لوح سنگ مکتوب شده به انگشت خدا را به من داد و بر آنها موافق تمامی سخنانی که خداوند در کوه از میان آتش در روز اجتماع به شما گفته بود، نوشته شده. ۱۱ و واقع شد بعد از انقضای چهل روز و چهل شب که خداوند این دو لوح سنگ یعنی لوحهای عهد را به من داد،

و خداوند مرا گفت: «رخاسته، از اینجا به زودی فرود شو زیرا قوم تو که از مصر بیرون آوردی فاسد شده اند، و از طریقی که ایشان را امر فرمودم به زودی انحراف ورزیده، بتی ریخته شده برای خود ساختند.»

و خداوند مرا خطاب کرده، گفت: «بن قوم را دیدم و اینک قوم گردن کش هستند. ۱۴ مرا واگذار تا ایشان را هلاک سازم و نام ایشان را از زیر آسمان محو کنم و از تو قومی قوی تر و کثیر تر از ایشان بوجود آورم.»

پس برگشته، از کوه فرود آمدم و کوه به آتش میسوخت و دو لوح عهد در دست من بود.

۱۶ و نگاه کرده، دیدم که به یهوه خدای خود گناه ورزیده، گوسالهای ریخته شده برای

- خود ساخته و از طریقی که خداوند به شما امر فرموده بود، به زودی برگشته بودید.
- ۱۷ پس دلولوح را گرفتیم و آنها را از دست خود انداخته، در نظر شما شکستم.
- ۱۸ و مثل دفعه اول، چهل روز و چهل شب به حضور خداوند به روی در افتادم، نه نان خوردم و نه آب نوشیدم، به سبب همه گاهان شما که کرده و کارناشایسته که در نظر خداوند عمل نموده، خشم او را به هیجان آوردید.
- ۱۹ زیرا که از غضب و حدت خشمی که خداوند بر شما نموده بود تا شمارا هلاک سازد، میترسیدم، و خداوند آن مرتبه نیز مرا اجابت نمود.
- ۲۰ و خداوند بر هارون بسیار غضبناک شده بود تا او را هلاک سازد، و برای هارون نیز در آن وقت دعا کردم.
- ۲۱ و اما گاه شما یعنی گوسالهای را که ساخته بودید، گرفتیم و آن را به آتش سوزانیدم و آن را خرد کرده، نیکو ساییدم تا مثل غبار نرم شد، و غبارش را به نهری که از کوه جاری بود، پاشیدم.
- و در تعبیره و مساو کبروت هتاوه خشم خداوند را به هیجان آوردید.
- ۲۳ و وقتی که خداوند شمارا از قادش بر نیع فرستاده، گفت: بروید و در زمینی که به شما داده ام تصرف نمایید، از قول یهوه خدای خود عاصی شدید و به او ایمان نیاورده، آواز او را شنیدید.
- ۲۴ از روزی که شمارا شناختم به خداوند عصیان ورزید هاید.
- پس به حضور خداوند به روی در افتادم در آن چهل روز و چهل شب که افتاده بودم، از این جهت که خداوند گفته بود که شمارا هلاک سازد.
- ۲۶ و نزد خداوند است عاثموده، گفتم: «ی خداوند یهوه، قوم خود و میراث خود را که به عظمت خود فدیه دادی و به دست قوی از مصر بیرون آوردی، هلاک مساز.»
- ۲۷ بندگان خود ابراهیم و اسحاق و یعقوب را بیاد آور، و بر سخت دلی این قوم و شرارت و گاه ایشان نظر منما.
- ۲۸ مباد اهل زمینی که ما را از آن بیرون آوردی، بگویند چونکه خداوند نتوانست ایشان را به زمینی که به ایشان وعده داده بود در آورد، و چونکه ایشان را دشمن میداشت، از

این جهت ایشان را بیرون آورد تا در بیابان هلاک سازد.
 ۲۹ لیکن ایشان قوم تو و میراث تو هستند که به قوت عظیم خود و به بازوی افراشته خویش
 بیرون آوردی.»

دولوح جدید

و در آن وقت خداوند به من گفت: «لوح سنگ موافق اولیه برای خود بتراش، و نزد
 من به کوه برآی، و تابوتی از چوب برای خود بساز.
 ۲ و بر این لوحها کلماتی را که بر لوحهای اولین که شکستی بود، خواهم نوشت، و آنها
 را در تابوت بگذار.»
 پس تابوتی از چوب سنط ساختم، و دولوح سنگ موافق اولین تراشیدم، و آن دولوح
 را در دست داشته، به کوه برآمدم.

۴ و بر آن دولوح موافق کتابت اولین، آن ده کلمه را که خداوند در کوه از میان آتش،
 در روز اجتماع به شما گفته بود نوشت، و خداوند آنها را به من داد.
 ۵ پس برگشته، از کوه فرود آمدم، و لوحها را در تابوتی که ساخته بودم گذاشتم، و در
 آنجا هست، چنانکه خداوند مرا امر فرموده بود.

(بنیاسرائیل از بیروت بنی یعقوبان به موسیره کوچ کردند، و در آنجا هارون مرد و در آنجا
 دفن شد. و پسرش العازار در جایش به کهانت پرداخت.)

۷ و از آنجا به جدجوده کوچ کردند، و از جدجوده به یطبات که زمین نهرهای آب
 است.

۸ در آنوقت خداوند سبط لوی را جدا کرد، تا تابوت عهد خداوند را بردارند، و به
 حضور خداوند ایستاده، او را خدمت نمایند، و به نام او برکت دهند، چنانکه تا امروز
 است.

۹ بنا بر این لوی را در میان برادرانش نصیب و میراثی نیست؛ خداوند میراث وی است،
 چنانکه یهوه خدایت به وی گفته بود.)

و من در کوه مثل روزهای اولین، چهل روز و چهل شب توقف نمودم، و در آن دفعه
 نیز خداوند مرا اجابت نمود، و خداوند نخواست تو را هلاک سازد.

۱۱ و خداوند مرا گفت: «رخیز و پیش روی این قوم روانه شو تا به زمینی که برای پدران ایشان قسم خوردم که به ایشان بدهم داخل شده، آن را به تصرف آورند.»

ترس خداوند

پس الانای اسرائیل، یهوه خدایت از توجه میخواید، جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقهایش سلوک نمایی، و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایی.

۱۳ و او امر خداوند و فریض او را که من امر و زتورا برای خیریت امر میفرمایم، نگاه داری.

۱۴ اینک فلک و فلک الافلاک از آن یهوه خدای توست، و زمین و هر آنچه در آن است.

۱۵ لیکن خداوند به پدران تو رغبت داشته، ایشان را محبت مینمود، و بعد از ایشان ذریت ایشان، یعنی شمار از همه قومها برگزید، چنانکه امر و ز شده است.

۱۶ پس غلغه دلهای خود را محنتون سازید، و دیگر گردن کشتی ننمایید.

۱۷ زیرا که یهوه خدای شما خدای خدایان و ربالات رباب، و خدای عظیم و جبار و مهیب است، که طرفداری ندارد و روشوه نمی گیرد.

۱۸ یتیمان و بیوه زنان را دادرسی میکند، و غریبان را دوست داشته، خوراک و پوشاک به ایشان میدهد.

۱۹ پس غریبان را دوست دارید، زیرا که در زمین مصر غریب بودید.

۲۰ از یهوه خدای خود بترس، و او را عبادت نما و به او ملصق شو و به نام او قسم بخور.

۲۱ او شرف توست و او خدای توست که برای تو این اعمال عظیم و مہیبی که چشمانت دیده بجای آورده است.

۲۲ پدران تو با هفتاد نفر به مصر فرود شدند و الان یهوه خدایت، تو را مثل ستارگان آسمان کثیر ساخته است.

خدا را دوست بدار

پس یهوه خدای خود را دوست بدار، و ودیعت و فریض و احکام و او امر او را در همه وقت نگاهدار.

۲ و امر و زبدا نید، زیرا که به پسران شما سخن نمی گویم که ندانستہاند، و تادیب یہوہ خدای شمارا نیدہاند، و نہ عظمت و دست قوی و بازوی افراشته اورا.
۳ آیات و اعمال اورا کہ در میان مصر، بہ فرعون، پادشاہ مصر، و بہ تمامی زمین او بظہور آورد.

۴ و آنچه را کہ بہ لشکر مصریان، بہ اسپا و بہ اربابہ های ایشان کرد، کہ چگونہ آب بحر قلزم را بر ایشان جاری ساخت، وقتی کہ شمارا تعاقب مینمودند، و چگونہ خداوند، ایشان را تا بہ امروز ہلاک ساخت.

۵ و آنچه را کہ برای شما در بیابان کرد تا شما بہ اینجا رسیدید.

۶ و آنچه را کہ بہ داتاں و ایبرام پسران الیاب بن روبین کرد، کہ چگونہ زمین دہان خود را گشودہ، ایشان را و خاندان و خیمہ های ایشان را، و ہر ذی حیات را کہ ہمراہ ایشان بود در میان تمامی اسرائیل بلعید.

۷ لیکن چشمان شما تمامی اعمال عظیمہ خداوند را کہ کردہ بود، دیدند.

پس جمیع اوامری را کہ من امر و وزیرای شما امر میفرمایم نگاہ دارید، تا قوی شوید و داخل شدہ، زمینی را کہ برای گرفتن آن عبور میکنید، بہ تصرف آورید.

۹ و تادراں زمینی کہ خداوند برای پدران شما قسم خورد کہ آن را بہ ایشان و ذریت ایشان بدهد، عمر دراز داشته باشید، زمینی کہ بہ شیرو شہد جاری است.

۱۰ زیرا زمینی کہ تو برای گرفتن آن داخل میشوی، مثل زمین مصر کہ از آن بیرون آمدی نیست، کہ در آن تخم خود را میکاشتی و آن را مثل باغ بقول بہ پای خود سیراب میکردی.

۱۱ لیکن زمینی کہ شما برای گرفتنش بہ آن عبور میکنید، زمین کوهها و درہا است کہ از بارش آسمان آب مینوشد،

زمینی است کہ یہوہ خدایت بر آن التفات دارد و چشمان یہوہ خدایت از اول سال تا آخر سال پیوستہ بر آن است.

و چنین خواهد شد کہ اگر اوامری را کہ من امر و وزیرای شما امر میفرمایم، بشنوید، و یہوہ خدای خود را دوست بدارید، و او را بہ تمامی دل و بہ تمامی جان خود عبادت نماید، آنگاہ باران زمین شما یعنی باران اولین و آخرین را در موسم شما خواہم بخشید، تا غلہ و شیرہ و روغن خود را جمع نمایی.

- ۱۵ و در صحرائی تو برای بهایمت علف خواهم داد تا بخوری و سیر شوی.
- ۱۶ با حذر باشید مباد ا دل شما فریفته شود و برگشته، خدایان دیگر را عبادت و سجده نمایند.
- ۱۷ و خشم خداوند بر شما افروخته شود، تا آسمان را مسدود سازد، و باران نبارد، و زمین محصول خود را ندهد و شما از زمین نیکویی که خداوند به شما میدهد، بزودی هلاک شوید. پس این سخنان مرا در دل و جان خود جاد کنید، و آنها را بر دستهای خود برای علامت ببندید، و در میان چشمان شما عصابه باشد.
- ۱۹ و آنها را به پسران خود تعلیم دهید، و حین نشستن در خانه خود، و رفتنت به راه، و وقت خوابیدن و برخاستن از آنها گفتگو نمایید.
- ۲۰ و آنها را بر باهوهای در خانه خود و بردروازه های خود بنویسید.
- ۲۱ تا ایام شما و ایام پسران شما بر زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که به ایشان بدهد، کثیر شود، مثل ایام افلاک بر بالای زمین.
- زیرا اگر تمامی این اوامرا که من به جهت عمل نمودن به شما امر میفرمایم، نیکو نگاه دارید، تا پیهو خدای خود را دوست دارید، و در تمامی طریقهای او رفتار نموده، به او ملصق شوید،
- آنگاه خداوند جمیع این امتهار از حضور شما اخراج خواهد نمود، و شما امتهای بزرگتر و قویتر از خود را تسخیر خواهید نمود.
- ۲۴ هر جایی که کف پای شما بر آن گذارده شود، از آن شما خواهد بود، از بیابان و لبنان و از نهر، یعنی نهر فرات تا دریای غربی، حدود شما خواهد بود.
- ۲۵ و هیچکس با رای مقاومت با شما نخواهد داشت، زیرا پیهو خدای شما ترس و خوف شما را بر تمامی زمین که به آن قدم میزنید مستولی خواهد ساخت، چنانکه به شما گفته است.
- اینک من امر و زبرکت و لعنت پیش شما می گذارم.
- ۲۷ اما برکت، اگر او امر پیهو خدای خود را که من امر و زبه شما امر میفرمایم، اطاعت نمایند.
- ۲۸ و اما لعنت، اگر او امر پیهو خدای خود را اطاعت ننموده، از طریقتی که من امروز به شما امر میفرمایم برگردید، و خدایان غیر را که نشناختناید، پیروی نمایند.

۲۹ و واقع خواهد شد که چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که به جهت گرفتنش به آن میروی داخل سازد، آنگاه برکت را بر کوه جرزیم ولعت را بر کوه ایبال خواهی گذاشت.

۳۰ آیا آنجا به آنطرف اردن نیستند پشت راه غرب آفتاب، در زمین کنعانیانی که در عر به ساکنند مقابل جلجال نزد بلوطهای موره.

زیرا که شما از اردن عبور میکنید تا داخل شده، زمینی را که یهوه خدایت به تو میبخشد به تصرف آورید، و آن را خواهید گرفت و در آن ساکن خواهید شد.

۳۲ پس متوجه باشید تا جمیع این فرایض و احکامی را که من امروز پیش شما می گذارم، به عمل آورید.

تنها محل عبادت

اینهاست فرایض و احکامی که شما در تمامی روزهای که بر زمین زنده خواهید ماند، میباید متوجه شده، به عمل آرید، در زمینی که یهوه خدای پدرانت به تو داده است، تا در آن تصرف نمایی.

جمع اما کن امتهایی را که در آنها خدایان خود را عبادت میکنند و شما آنها را اخراج مینمایید خراب نمائید، خواه بر کوههای بلند خواه بر تله‌ها و خواه زیر هر درخت سبز.

۳ مذبحهای ایشان را بشکنید و ستونهای ایشان را خرد کنید، و اشیره‌های ایشان را به آتش بسوزانید، و بتهای تراشیده شده خدایان ایشان را قطع نمائید، و نامهای ایشان را از آنجا محو سازید.

۴ بایهوه خدای خود چنین عمل منمائید.

۵ بلکه به مکانی که یهوه خدای شما از جمیع اسباط شما برگزیند تا نام خود را در آنجا بگذارد، یعنی مسکن او را بطلبید و به آنجا بروید.

۶ و به آنجا قربانی‌های سوختنی و ذبایح و عشرهای خود، و هدایای افراشتنی دستهای خویش، و نذر ها و نوافل خود و نخست زاده‌های رومه و گله خویش را ببرید.

۷ و در آنجا بحضور یهوه خدای خود بخورید، و شما و اهل خانه شما در هر شغل دست خود که یهوه خدای شما، شمارا در آن برکت دهد، شادی نمائید.

موافق هر آنچه ما امروز در اینجا میکنیم، یعنی آنچه در نظر هر کس پسند آید، نکنید.

۹ زیرا که هنوز به آرامگاه و نصیبی که یهوه خدای شما، به شما میدهد داخل نشده‌اید.
۱۰ اما چون از اردن عبور کرده، در زمینی که یهوه، خدای شما، برای شما تقسیم میکند، ساکن شوید، و او شمار از جمیع دشمنان شما از هر طرف آرامی دهد تا در امنیت سکونت نمایید.

۱۱ آنگاه به مکانی که یهوه خدای شما برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد، به آنجا هر چه را که من به شما مفرم می‌پیاورید، از قربانی‌های سوختنی و ذبایح و عشرهای خود، و هدایای افراشتنی دستهای خویش، و همه نذرهای بهترین خود که برای خداوند نذر نمایید.

۱۲ و به حضور یهوه خدای خود شادی نمایید، شما با پسران و دختران و غلامان و کنیزان خود، و لایوانی که درون دروازه‌های شما باشند، چونکه ایشان را با شما حصهای و نصیبی نیست.

با حذر باش که در هر جایی که میبینی قربانی‌های سوختنی خود را نگذرانی، بلکه در مکانی که خداوند در یکی از اسباط تو برگزیند در آنجا قربانی‌های سوختنی خود را بگذرانی، و در آنجا هر چه من به تو امر فرمایم، به عمل آوری.

لیکن گوشت را بر حسب تمامی آرزوی دلت، موافق برکتی که یهوه خدایت به تو دهد، در همه دروازه‌های ذبح کرده، بخور؛ اشخاص نجس و طهاران آن بخورند چنانکه از غزال و آهومی خورند.

۱۶ ولی خون را نخور، آن را مثل آب بر زمین بریز.

۱۷ عشر غله و شیر و روغن و نخست زاده رمله و گله خود را در دروازه‌های خود بخور، و نه هیچیک از نذرهای خود را که نذر می‌کنی و از نوافل خود و هدایای افراشتنی دست خود را.

۱۸ بلکه آنها را به حضور یهوه خدایت در مکانی که یهوه خدایت برگزیند، بخور، تو و پسران و دخترت و غلامت و کنیزت و لایوانی که درون دروازه‌های تو باشند، و به هر چه دست خود را بر آن بگذاری به حضور یهوه خدایت شادی نما.

۱۹ با حذر باش که لاویان را در تمامی روزهایی که در زمین خود باشی، ترک نمایی، چون یهوه، خدایت، حد و تور را بطوری که تو را وعده داده است، وسیع گرداند، و بگویی

- که گوشت خواهم خورد، زیرا که دل توبه گوشت خوردن مایل است، پس موافق همه آرزوی دلت گوشت را بخور.
- ۲۱ واگر مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند تا اسم خود را در آن بگذارد از تو دور باشد، دلت بخواهد در دروازه های توبه بخور.
- ۲۲ چنانکه غزال و آهو خورده شود، آنها را چنین بخور؛ شخص نجس و شخص طاهر از آن برابر بخورند.
- ۲۳ لیکن هوشیار باش که خون را نخوری زیرا خون جان است و جان را با گوشت نخوری.
- ۲۴ آن را نخور، بلکه مثل آب بر زمینش بریز.
- ۲۵ آن را نخور تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت نیکو باشد هنگامی که آنچه در نظر خداوند راست است، بجا آوری.
- ۲۶ لیکن موقوفات خود را که داری و نذرهای خود را برداشته، به مکانی که خداوند برگزیند، برو.
- ۲۷ و گوشت و خون قربانی های سوختنی خود را بر منج یهوه خدایت بگذران و خون ذبایح تو بر منج یهوه خدایت ریخته شود و گوشت را بخور.
- متوجه باش که همه این سخنانی را که من به تو امر میفرمایم بشنوی تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت هنگامی که آنچه در نظر یهوه، خدایت، نیکو و راست است بجا آوری تا به ابد نیکو باشد.
- وقتی که یهوه، خدایت، امتیابی را که به جهت گرفتن آنها به آنجا میروی، از حضور تو منقطع سازد، و ایشان را اخراج نموده، در زمین ایشان ساکن شوی.
- ۳۰ آنگاه با حذر باش، مباد بعد از آنکه از حضور تو هلاک شده باشند به دام گرفته شده، ایشان را پیروی نمایی و درباره خدایان ایشان دریافت کرده، بگویی که این امتهای خدایان خود را چگونه عبادت کردند تا من نیز چنین کنم.
- ۳۱ بیهوه، خدای خود، چنین عمل منما، زیرا هر چه را که نزد خداوند مکروه است و از آن نفرت دارد، ایشان برای خدایان خود میگردند، حتی اینکه پسران و دختران خود

را نیز برای خدایان خود به آتش میسوزانیدند.
 ۳۲ هر آنچه من به شما امر میفرمایم متوجه شوید، تا آن را به عمل آورید، چیزی بر آن میفزاید
 و چیزی از آن کم نکنید.

خدایان دیگر

اگر در میان تونبیای یا بیننده خواب از میان شما بر خیزد، و آیت یا معجزه‌های برای شما ظاهر
 سازد،

و آن آیت یا معجزه واقع شود که از آن تو را خبر داده، گفت خدایان غیرا که نمی شناسی
 پیروی نمائیم، و آنها را عبادت کنیم،

سخنان آن نبی یا بیننده خواب را مشنو، زیرا که یهوه، خدای شما، شمارا امتحان میکند،
 تا بداند که آیا یهوه، خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود محبت مینماید؟
 یهوه خدای خود را پیروی نماید و از او بترسید، و او امر او را نگاه دارید، و قول او را بشنوید
 و او را عبادت نموده، به او ملحق شوید.

۵ و آن نبی یا بیننده خواب کشته شود، زیرا که سخنان فتنه انگیز بر یهوه خدای شما که
 شمارا از زمین مصر بیرون آورد، و تو را از خانه بندگی فدیة داد، گفته است تا تو را از طریق
 که یهوه خدایت به تو امر فرمود تا با آن سلوک نمایی، منحرف سازد، پس به این طور بدی
 را از میان خود دور خواهی کرد.

و اگر برادرت که پسر مادرت باشد یا پسر یا دختر تو یا زن هم آغوش تو یا رفیق که مثل
 جان تو باشد، تو را در خفا اغوا کند، و گوید که برویم و خدایان غیرا که تو و پدران تو
 نشناختید عبادت نمائیم،

از خدایان امتهایی که به اطراف شما می باشند، خواه به تو نزدیک و خواه از تو دور باشند،
 از اقصای زمین تا اقصای دیگران،

او را قبول مکن و او را گوش مده، و چشم تو بروی رحم نکند و بر او شفقت منما و او را
 پنهان مکن.

۹ البته او را به قتل رسان، دست تو اول به قتل او دراز شود و بعد دست تمامی قوم.

۱۰ و او را به سنگ سنگسار نماتا بمیرد، چونکه میخواست تو را از یهوه، خدایت، که

- تورا از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد، منحرف سازد.
- ۱۱ و جمیع اسرائیلیان چون بشنوند، خواهند ترسید و بار دیگر چنین امر زشت را در میان شما مرتکب نخواهند شد.
- اگر در باره یکی از شهرهایی که یهوه خدایت به توبه جهت سکونت میدهد خبریابی، که بعضی پسران بلیعال از میان تو بیرون رفته، ساکنان شهر خود را منحرف ساخته، گفته اند برویم و خدایان غیر را که نشناختاید، عبادت نماییم، آنگاه تفحص و تجسس نموده، نیکو استفسار نما. و اینک اگر این امر، صحیح و یقین باشد که این رجاست در میان تو معمول شده است، البته ساکنان آن شهر را به دم شمشیر بکش و آن را با هر چه در آن است و بهایمش را به دم شمشیر هلاک نما.
- ۱۶ و همه غنیمت آن را در میان کوچهاش جمع کن و شهر را با تمامی غنیمتش برای یهوه خدایت به آتش بالکل بسوزان، و آن تا به ابد تلی خواهد بود و بار دیگر بنا نخواهد شد.
- ۱۷ و از چیزهای حرام شده چیزی به دستت نجسبند تا خداوند از شدت خشم خود برگشته، بر تو رحمت و رافت بنماید، و تو را بیفزاید بطوری که برای پدرانت قسم خورده بود.
- ۱۸ هنگامی که قول یهوه خدای خود را شنیده، و همه او امرش را که من امر و زبه تو امر می فرمایم نگاه داشته، آنچه در نظر یهوه خدایت راست است، بعمل آورده باشی.

حلال و حرام

- شما پسران یهوه خدای خود هستید، پس برای مردگان، خویشان را مجرد نمائید، و مابین چشمان خود را متمرکزشید.
- ۲ زیرا تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی، و خداوند تو را برای خود برگزیده است تا از جمیع امتهایی که بر روی زمیناننده جهت او قوم خاص باشی.
- هیچ چیز مکروه مخور.
- ۴ این است حیواناتی که بخورید: گاو و گوسفند و بز، و آهو و غزال و گور و بزکوهی و ریم و گاو دشتی و مهات.

- ۶ وهر حیوان شکافته سم که سم رابه دو حصه شکافته دارد و نشخوار کند، آن را از بهایم بخورد.
- ۷ لیکن از نشخوار کنندگان و شکافتگان سم اینهارا بخورید: یعنی شتر و خرگوش و ونک، زیرا که نشخوار میکنند اما شکافته سم نیستند. اینها برای شما نجساند.
- ۸ و خوک زیر اشکافته سم است، لیکن نشخوار نمی کند، این برای شما نجس است. از گوشت آنها بخورید و لاش آنها را لمس نکنید.
- از همه آنچه در آب است اینهارا بخورید: هر چه پروفلس دارد، آنها را بخورید.
- ۱۰ و هر چه پروفلس ندارد بخورید، برای شما نجس است. از همه مرغان طاهر بخورید.
- ۱۲ و این است آنهاپی که نخورید: عقاب و استخوان خوار و نسر بحر، و لا شخوار و شاهین و کرکس به اجناس آن؛ و هر غراب به اجناس آن؛ و شتر مرغ و جغد و مرغ دریایی و باز، به اجناس آن؛ و بوم و بوتیمار و قاز؛ و قات و رخم و غواص؛ و لقلق و کلنک، به اجناس آن؛ و هدهد و شبیره.
- ۱۹ و همه حشرات بالدار برای شما نجساند؛ خورده نشوند.
- ۲۰ اما از همه مرغان طاهر بخورید.
- هیچ میته بخورید؛ به غریبی که درون دروازه های تو باشد بده تا بخورد، یا به اجنبی بفروش، زیرا که تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی و بزغاله را در شیر مادرش میزد.

دهیک

- عشر تمامی محصولات مزرعه خود را که سال به سال از زمین برآید، البته بده.
- ۲۳ و به حضور یهوه خدایت در مکانی که برگزیند تا نام خود را در آنجا ساکن سازد، عشر غله و شیر و روغن خود را و نخست زادگان رمه و گله خویش را بخور، تا بیاموزی که از یهوه خدایت همه اوقات بترسی.
- ۲۴ و اگر راه از برایت دور باشد که آن را نمی توانی برد، و آن مکانی که یهوه، خدایت،

خواهد برگزید تا نام خود را در آن بگذارد، وقتی که یهوه، خدایت، تو را برکت دهد، از تو دور باشد.

۲۵ پس آن راه بنقره بفروش و نقره را بدست خود گرفته، به مکانی که یهوه خدایت برگزیند، برو.

۲۶ و نقره را برای هر چه دلت میخواهد از گاو و گوسفند و شراب و مسکرات و هر چه دلت از تو بطلبد، بده، و در آنجا بحضور یهوه، خدایت، بنحور و خودت با خاندانت شادی نما.

۲۷ و لایوی را که اندرون دروازه هایت باشد، ترک منما چونکه او را باتو حصه و نصیبی نیست.

و در آخر هر سه سال تمام عشر محصول خود را در همان سال بیرون آورده، در اندرون دروازه هایت ذخیره نما.

۲۹ و لایوی چونکه با تو حصه و نصیبی ندارد و غریب و یتیم و بیوه زنی که درون دروازه هایت باشند، بیابند و بنحورند و بسیر شوند، تایهوه، خدایت، تو را در همه اعمال دستت که میکنی، برکت دهد.

سال انفکاک

و در آخر هر هفت سال، انفکاک نمایی.

۲ و قانون انفکاک این باشد، هر طلبکاری قرضی را که به همسایه خود داده باشد منفک سازد، و از همسایه و برادر خود مطالبه نکند، چونکه انفکاک خداوند اعلان شده است.

۳ از غریب مطالبه توانی کرد، اما هر آنچه از مال تو نزد برادرت باشد، دست تو آن را منفک سازد.

۴ تا نزد تو هیچ فقیر نباشد، زیرا که خداوند تو را در زمینی که یهوه، خدایت، برای نصیب و ملک به تو میدهد، البته برکت خواهد داد،

اگر قول یهوه، خدایت، را به دقت بشنوی تا متوجه شده، جمیع این اوامر را که من امروز به تو امر میفرمایم بجا آوری.

۶ زیرا که یهوه، خدایت، تو را چنانکه گفته است برکت خواهد داد، و به امتهای بسیار قرض خواهی داد، لیکن تو مدیون نخواهی شد، و بر امتهای بسیار تسلط خواهی نمود، و ایشان بر تو مسلط نخواهند شد.

اگر نزد تو دریکی از دروازه هایت، درزمینی که یهوه، خدایت، به تو میبخشد، یکی از برادرانت فقیر باشد، دل خود را سخت مساز، و دستت را بر برادر فقیر خود میند.
 ۸ بلکه البته دست خود را بر او گشاده دار، و به قدر کفایت، موافق احتیاج او به او قرض بده.

۹ و با حذر باش مبادا در دل تو فکر زشت باشد، و بگوئی سال هفتم یعنی سال انفکاک نزدیک است، و چشم تو بر برادر فقیر خود بد شده، چیزی به او ندهی و او از تو نزد خداوند فریاد برآورده، برایت گناه باشد.

۱۰ البته به او بدهی و دلت از دادنش آزرده نشود، زیرا که به عوض این کار یهوه، خدایت، تو را در تمامی کارهایت و هر چه دست خود را بر آن دراز می کنی، برکت خواهد داد.
 ۱۱ چونکه فقیر از زمینت معدوم نخواهد شد، بنابراین من تو را امر فرموده، میگویم البته دست خود را برای برادر مسکین و فقیر خود که در زمین تو باشند، گشاده دار.

آزادی غلامان

اگر مردی از ن عبرانی از برادرانت به تو فروخته شود، و او تو را شش سال خدمت نماید، پس در سال هفتم او را از نزد خود آزاد کرده، رها کن.

۱۳ و چون او را از نزد خود آزاد کرده، رهایمی کنی، او را تهیدست روانه مساز.

۱۴ او را از گله و خرمن و چرخشت خود البته زاده، به اندازه های که یهوه، خدایت، تو را برکت داده باشد بده او بده.

۱۵ و بیاد آور که تو در زمین مصر غلام بودی و یهوه، خدایت، تو را فدیهداد، بنابراین من امر و زاین را به تو امر میفرمایم،

و اگر به تو گوید از نزد تو بیرون نمی روم چونکه تو را و خاندان تو را دوست دارد و او را نزد تو خوش گذشته باشد،

آنگاه در فتنی گرفته، گوشش را با آن به در بند و زتات تو را غلام ابدی باشد، و یا کنیز خود نیز چنین عمل نما.

و چون او را از نزد خود آزاد کرده، رهایمی کنی، بنظرت بد نیاید، زیرا که دو برابر اجرت اجیر، تو را شش سال خدمت کرده است. و یهوه خدایت در هر چه میکنی تو را برکت خواهد داد.

تقدیس حیوانات

همه نخست زادگان زینه را که از رومه و گله توزاییده شوند برای یهوه، خدای خود، تقدیس نما، و با نخست زاده گاو خود کارمکن و نخست زاده گوسفند خود را پشم مبر.

۲۰ آنها را به حضور یهوه خدای خود در مکانی که خداوند برگزیند، تو و اهل خانوات سال به سال بخورید.

۲۱ لیکن اگر عیبی داشته باشد، مثلاً لنگ یا کور یا هر عیب دیگر، آن را برای یهوه خدایت ذبح مکن.

۲۲ آن را در اندرون دروازه هایت بخور، شخص نجس و شخص طاهر، آن را برابر مثل غزال و آهو بخورند.

۲۳ اما خونس را بخور. آن را مثل آب بر زمین بریز.

فصح

ماه ایبب را نگاهدار و فصح را به جهت یهوه، خدایت، بجآور، زیرا که در ماه ایبب یهوه، خدایت، تو را از مصر در شب بیرون آورد.

۲ پس فصح را از رومه و گله برای یهوه، خدایت، ذبح کن، در مکانی که خداوند برگزیند، تا نام خود را در آن ساکن سازد.

۳ با آن، خمیر مایه بخور، هفت روز نان فطیر یعنی نان مشقت را با آن بخور، زیرا که به تعجیل از زمین مصر بیرون آمدی، تا روز خروج خود را از زمین مصر در تمامی روزهای عمرت پیاد آوری.

۴ پس هفت روز هیچ خمیر مایه در تمامی حدودت دیده نشود، و از گوشتی که در شام روز اول، ذبح میکنی چیزی تا صبح باقی نماند.

۵ فصح را در هر یکی از دروازه هایت که یهوه خدایت به تومی دهد، ذبح نتوانی کرد.

۶ بلکه در مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد، در آنجا فصح را در شام، وقت غروب آفتاب، هنگام بیرون آمدنت از مصر ذبح کن.

۷ و آن را در مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند پیژ و بخور و با مداد ان برخاسته، به خیمه هایت برو.

۸ شش روز نان فطیر بخور، و در روز هفتم، جشن مقدس برای یهوه خدایت باشد، در آن هیچ کار مکن.

عید هفته‌ها

هفت هفته برای خود بشمار. از ابتدای نهادن داس در زرع خود، شمردن هفت هفته را شروع کن.

۱۰ وعید هفت‌هزار اباهدیه نوافل دست خود نگاهدار و آن را به اندازه برکتی که یهوه خدایت به تو دهد، بده.

۱۱ و به حضور یهوه، خدایت، شادی ثمات و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لای که درون دروازه هایت باشد و غریب و یتیم و بیوه‌زنی که در میان تو باشند، در مکانی که یهوه خدایت برگزیند تا نام خود را در آن ساکن گرداند.

۱۲ و بیاد آور که در مصر غلام بودی، پس متوجه شده، این فریض را بجا آور.

عید خیمه‌ها

عید خیمه‌ها را بعد از جمع کردن حاصل از خرمن، و چرخشت خود هفت روز نگاهدار.

۱۴ و در عید خود شادی نما، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لای و غریب و یتیم و بیوه‌زنی که درون دروازه هایت باشند.

۱۵ هفت روز در مکانی که خداوند برگزیند، برای یهوه خدایت عید نگاه دار، زیرا که یهوه خدایت تو را در همه محصولات و در تمامی اعمال دستت برکت خواهد داد، و بسیار شادمان خواهی بود.

سه مرتبه در سال جمع ذکورات به حضور یهوه خدایت در مکانی که او برگزیند حاضر شوند، یعنی در عید فطیر و عید هفته‌ها و عید خیمه‌ها و به حضور خداوند تپیدست حاضر نشوند.

۱۷ هر کس به قدر قوه خود به اندازه برکتی که یهوه، خدایت، به تو عطا فرماید، بدهد.

تعیین داوران

داوران و سروران در جمیع دروازه‌هایی که یهوه، خدایت، به تو میدهد بر حسب اسباط خود برایت تعیین نما، تا قوم را به حکم عدل، داوری نمایند.

۱۹ داوری را منحرف مساز و طرفداری منماور شوه مگیر، زیرا که رشوه چشمان حکما را کور میسازد و سخنان عادلان را کج مینماید.

۲۰ انصاف کامل را پیروی نمائید تا زنده مانی و زمینی را که یهوه خدایت به تو میدهد، مالک شوی.

خدایان غیر

اشیرهای از هیچ نوع درخت نزد مذبح یهوه، خدایت، که برای خود خواهی ساخت غرس منما.

۲۲ وستونی برای خود نصب مکن زیرا یهوه خدایت آن را مکروه میدارد.

گاو یا گوسفندی که در آن عیب یا هیچ چیز بد باشد، برای یهوه خدای خود ذبح منما، چونکه آن، نزد یهوه خدایت مکروه است.

اگر در میان تو، در یکی از دروازه هایت که یهوه خدایت به تو میدهد، مردی از نی پیدا شود که در نظر یهوه، خدایت، کار ناشایسته نموده، از عهد او تجاوز کند، و رفته خدایان غیر را عبادت کرده، سجده نماید، خواه آفتاب یا ماه یا هر یک از جنود آسمان که من امر نفر مود هام،

و از آن اطلاع یافته، بشنوی، پس نیکو تفحص کن. و اینک اگر راست و یقین باشد که این رجاست در اسرائیل واقع شده است،

آنگاه آن مردی از آن را که این کار بد را در دروازه هایت کرده است، بیرون آور، و آن مرد یازن را با سنگها سنگسار کن تا بمیرند.

۶ از گواهی دوباسه شاهد، آن شخصی که مستوجب مرگ است کشته شود، از گواهی یک نفر کشته نشود.

۷ اولاد دست شاهدان به جهت کشتنش بر او افراشته شود، و بعد از آن، دست تمامی قوم، پس بدی را از میان خود دور کرده ای.

داوری اختلافات

اگر در میان تو امری که حکم بر آن مشکل شود به ظهور آید، در میان خون و خون، و در میان دعوی و دعوی، و در میان ضرب و ضرب، از مرافعه هایی که در دروازه هایت واقع

شود، آنگاه برخاسته، به مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند، برو.

۹ و نزد لاویان کهنه و نزد داوری که در آن روزها باشد رفته، مسالت نما و ایشان تو را از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت.

۱۰ و بر حسب فتوایی که ایشان از مکانی که خداوند برگزیند، برای تو بیان میکنند، عمل نما. و هوشیار باش تا موافق هر آنچه به تو تعلیم دهند، عمل نمایی.

۱۱ موافق مضمون شریعتی که به تو تعلیم دهند، و مطابق حکمی که به تو گویند، عمل نما، و از فتوایی که برای تو بیان میکنند به طرف راست یا چپ تجاوز مکن.

۱۲ و شخصی که از روی تکبر رفتار نماید، و کاهنی را که به حضور یهوه، خدایت، به جهت خدمت در آنجایی ایستد یاد او را گوش نگیرد، آن شخص کشته شود. پس بدی را از میان اسرائیل دور کرده‌ای.

۱۳ و تمامی قوم چون این را بشنوند، خواهند ترسید و بار دیگر از روی تکبر رفتار نخواهند نمود.

پادشاه اسرائیل

چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد، داخل شوی و در آن تصرف نموده، ساکن شوی و یگویی مثل جمیع امتهایی که به اطراف منند پادشاهی بر خود نصب نمایم،

البته پادشاهی را که یهوه خدایت برگزیند بر خود نصب نما. یکی از برادرانت را بر خود پادشاه بساز، و مرد بیگانهای را که از برادرانت نباشد، نمی توانی بر خود مسلط نمایی.

۱۶ لکن او برای خود اسبهای بسیار نگیرد، و قوم را به مصر پس نفرستد، تا اسبهای بسیار برای خود بگیرد، چونکه خداوند به شما گفته است بار دیگر به آن راه برنگردید.

۱۷ و برای خود زنان بسیار نگیرد، مباد ادلش منحرف شود، و نقره و طلا برای خود بسیار زیاده نیند وزد.

۱۸ و چون بر تخت مملکت خود بنشیند، نسخه این شریعت را از آنچه از آن، نزد لایان کهنه است برای خود در طوماری بنویسد.

۱۹ و آن نزد او باشد و همه روزهای عمرش آن را بخواند، تا بیا موزد که از یهوه خدای خود بترسد، و همه کلمات این شریعت و این فرایض را نگاه داشته، به عمل آورد.

۲۰ مباد ادل او بر برادرانش افرشته شود، و از این او امر به طرف چپ یا راست منحرف شود، تا آنکه او و پسرانش در مملکت او در میان اسرائیل روزهای طویل داشته باشند.

هدایا برای کاهنان و لایان

لایان کهنه و تمامی سبط لای را حصه و نصیبی با اسرائیل نباشد.

پس ایشان در میان برادران خود نصیب نخواهند داشت. خداوند نصیب ایشان

است، چنانکه به ایشان گفته است.
 وحق کاهنان از قوم، یعنی از آتانی که قربانی، خواه از گاو و خواه از گوسفند می گذرانند، این است که دوش و دوبرنا گوش و شکنبه را به کاهن بدهند.
 ۴ و نوبرغله و شیر و روغن خود و اول چین پشم گوسفند خود را به او بده،
 زیرا که یهوه، خدایت، او را از همه اسبابت برگزیده است، تا او و پسرانش همیشه بایستند و به نام خداوند خدمت نمایند.

و اگر احدی از لاویان از یکی از دروازه هایت از هر جایی در اسرائیل که در آنجا ساکن باشد آمده، به تمامی آرزوی دل خود به مکانی که خداوند برگزیند، برسد، پس به نام یهوه خدای خود، مثل سایر برادرانش از لاویانی که در آنجا به حضور خداوند میایستند، خدمت نماید.
 ۸ حصه های برابر بخورند، سوای آنچه از اراثیت خود بفرود شد.

اعمال مکروه

چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد داخل شوی، یاد مگیر که موافق رجاسات آن امتها عمل نمایی.

۱۰ و در میان تو کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند، و نه فالگیر و نه غیب گونه افسونگر و نه جادوگر،

و نه ساحر و نه سوال کننده از اجنه و نه رمال و نه کسیکه از مردگان مشورت میکند.

۱۲ زیرا هر که این کارها را کند، نزد خداوند مکروه است و به سبب این رجاسات، یهوه، خدایت، آنها را از حضور تو اخراج میکند.

۱۳ نزد یهوه، خدایت، کامل باش.

۱۴ زیرا این امتهایی که تو آنها را بیرون میکنی به غیب گویان و فالگیران گوش میگیرند، و اما یهوه، خدایت، تو را نمی گذارد که چنین بکنی.

مبعوث کردن نبی

یهوه، خدایت، نیای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید.

۱۶ موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسالت نموده، گفتی:

«وازیهوه خدای خود را دیگر نشنوم، و این آتش عظیم را دیگر نبینم، مبادا بمیرم.»
 و خداوند به من گفت: «نچه گفتند نیکو گفتند.
 ۱۸ نبیای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود
 را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت.
 ۱۹ و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد.
 ۲۰ و امانیای که جسارت نموده، به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرمودم،
 یا به اسم خدایان غیر سخن گوید، آن نبی البته کشته شود.»
 و اگر در دل خود گویی: «خنی را که خداوند نگفته است، چگونه تشخیص نمایم.»
 هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید، اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد، این امری
 است که خداوند نگفته است، بلکه آن نبی آن را از روی تکبر گفته است.
 پس از او نترس.

شهر ملجا

وقتی که خدایت این امتهارا که یهوه، خدایت، زمین ایشان را به تو میدهد منقطع سازد،
 و تو وارث ایشان شده، در شهرها و خانه های ایشان ساکن شوی،
 پس سه شهر را برای خود در میان زمینی که یهوه، خدایت، به جهت ملکیت به تو میدهد،
 جدا کن.
 ۳ شاهراه را برای خود درست کن، و حدود زمین خود را که یهوه خدایت برای تو
 تقسیم میکند، سه قسمت کن، تا هر قاتلی در آنجا فرار کند.
 و این است حکم قاتلی که به آنجا فرار کرده، زنده ماند، هر که همسایه خود را نادانسته بکشد،
 و قبل از آن از او بغض نداشت.
 ۵ مثل کسی که با همسایه خود برای بریدن درخت در جنگل برود، و دستش برای قطع
 نمودن درخت تیر را بلند کند، و آهن از دسته بیرون رفته، به همسایه اش بخورد تا بمیرد،
 پس به یکی از آن شهرها فرار کرده، زنده ماند.
 ۶ مبادا اولی خون وقتی که دلش گرم است قاتل را تعاقب کند، و به سبب مسافت راه

به وی رسیده، او را بکشد، و او مستوجب موت نباشد، چونکه او را پیشتر بغض نداشت. ۷
از این جهت من تو را امر فرموده، گفتم برای خود سه شهر جدا کن.

و اگر یهوه، خدایت، حد و دورا به طوری که به پدران تو قسم خورده است وسیع گرداند،
و تمامی زمین را به تو عطا فرماید، که به دادن آن به پدران تو وعده داده است،
و اگر تمامی این او امر را که من امر و زبیه تو میفرمایم نگاه داشته، بجا آوری که یهوه خدای
خود را دوست داشته، به طریقهای او دائم سلوک نمایی، آنگاه سه شهر دیگر بر این سه برای
خود مزید کن.

۱۰ تا خون بیگانه در زمینی که یهوه خدایت برای ملکیت به تو میدهد، ریخته نشود،
و خون بر گردن تو نباشد.

لیکن اگر کسی همسایه خود را بغض داشته، در همین او باشد و بر او برخاسته، او را ضرب
مهلک بزند که بمیرد، و به یکی از این شهرها فرار کند،
آنگاه مشایخ شهرش فرستاده، او را از آنجا بگیرند، و او را به دست ولی خون تسلیم کنند،
تا کشته شود.

۱۳ چشم تو بر او ترحم نکند، تا خون بیگانه را از اسرائیل دور کنی، و برای تو نیکو باشد.
حد همسایه خود را که پیشینیان گذاشته اند، در ملک تو که به دست تو خواهد آمد،
در زمینی که یهوه خدایت برای تصرفش به تو می دهد، منتقل مساز.
یک شاهد بر کسی برنخیزد، به هر تقصیر و هر گناه از جمیع گناهی که کرده باشد، به گواهی
دو شاهد یا به گواهی سه شاهد هر امری ثابت شود.

۱۶ اگر شاهد کاذبی بر کسی برخاسته، به معصیتش شهادت دهد،
آنگاه هر دو شخصی که منازعه در میان ایشان است، به حضور خداوند و به حضور کاهنان
و داورانی که در آن زمان باشند، حاضر شوند.

۱۸ و داوران، نیکو تفحص نمایند، و اینک اگر شاهد، شاهد کاذب است و بر برادر
خود شهادت دروغ داده باشد،

پس به طوری که او خواست با برادر خود عمل نماید با او همان طور رفتار نمایند، تا بدی
را از میان خود دور نمایند.

- ۲۰ و چون بقیه مردمان بشنوند، خواهند ترسید، و بعد از آن مثل این کار زشت در میان شما نخواهند کرد.
- ۲۱ و چشم تو ترحم نکند، جان به عوض جان، و چشم به عوض چشم، و دندان به عوض دندان، و دست به عوض دست و پابه عوض پاه.

دستور العمل برای جنگ

- چون برای مقاتله باد شمن خود بیرون روی، و اسبها و اربابها و قومی را زیاد از خود بینی، از ایشان مترس زیرا بهوه خدایت که تورا از زمین مصر بر آورده است، با توست.
- ۲ و چون به جنگ نزدیک شوید آنگاه کاهن پیش آمده، قوم را مخاطب سازد.
- ۳ و ایشان را گوید: «ی اسرائیل بشنوید شما امر وزیرای مقاتله باد شمنان خود پیش میروید، دل شما ضعیف نشود، و از ایشان ترسان و لرزان و هراسان مباشید.
- ۴ زیرا بهوه، خدای شما، با شما می رود، تا برای شما باد شمنان شما جنگ کرده شمار انجات دهد.»
- و سروران، قوم را خطاب کرده، گویند: «یست که خانه نو بنا کرده، آن را تخصیص نکرده است؛ او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ ببرد و دیگری آن را تخصیص نماید.
- ۶ و کیست که تا کستانی غرس نموده، آن را حلال نکرده است؛ او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ ببرد، و دیگری آن را حلال کند.
- ۷ و کیست که دختری نامزد کرده، به نکاح در نیاورده است، او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ ببرد و دیگری او را به نکاح در آورد.»
- و سروران نیز قوم را خطاب کرده، گویند: «یست که ترسان و ضعیف دل است؛ او روانه شده، به خانهاش برگردد، مبادا دل برادرانش مثل دل او گداخته شود.»
- و چون سروران از تکلم نمودن به قوم فارغ شوند، بر سر قوم، سرداران لشکر مقرر سازند. چون به شهری نزدیک آیی تا با آن جنگ نمایی، آن را برای صلح ندابکن.
- ۱۱ و اگر تو را جواب صلح بدهد، و دروازهها را برای تو بگشاید، آنگاه تمامی قومی که در آن یافت شوند، به توجزیه دهند و تو را خدمت نمایند.
- ۱۲ و اگر با تو صلح نکرده، با تو جنگ نمایند، پس آن را محاصره کن.

- ۱۳ و چون یهوه، خدایت، آن را بهدست تو بسپارد، جمیع ذکورانش را به دم شمشیر بکش.
- ۱۴ لیکن زنان و اطفال و بهایم و آنچه در شهر باشد، یعنی تمامی غنیمتت را برای خود به تاراج ببر، و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت به تو دهد، بخور.
- ۱۵ به همه شهرهایی که از تو بسیار دورند که از شهرهای این امت نباشند، چنین رفتار نما.
- ۱۶ اما از شهرهای این امتهایی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت میدهد، هیچ ذی نفس را زنده نگذار.
- ۱۷ بلکه ایشان را، یعنی حتیان و اموریان و کنعانیان و فرزندان و حویان و ویوسیان را، چنانکه یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است، بالکل هلاک ساز.
- ۱۸ تا شمارت را تعلیم ندهند که موافق همه رجاساتی که ایشان با خدایان خود عمل مینمودند، عمل نماید. و به یهوه، خدای خود، نگاه کنید.
- چون برای گرفتن شهری با آن جنگ کنی، و آن را روزهای بسیار محاصره نمایی، تبر در رختپایش مزن و آنهارا تلاف مساز. چونکه از آنها میخوری پس آنها را قطع منما، زیرا آید رخت صحرا انسان است تا آن را محاصره نمایی؟
- و اما درختی که میدانی درختی نیست که از آن خورده شود آنرا تلاف ساخته، قطع نما و سنگری بر شهری که با تو جنگ میکند، بنا کن تا منهدم شود.

قتل نامعین

- ۱ اگر در زمینی که یهوه، خدایت، برای تصرفش به تو میدهد مقتولی در صحرا افتاده، پیدا شود و معلوم نباشد که قاتل او کیست،
- آنگاه مشایخ و داوران تو بیرون آمده، مسافت شهرهایی را که در اطراف مقتول است، پیمایند.
- ۳ و اما شهری که نزدیک تریه مقتول است، مشایخ آن شهر گوساله را که با آن خیش زده، و یوغ به آن نبسته‌اند، بگیرند.
- ۴ و مشایخ آن شهر آن گوساله را در وادی که آب در آن همیشه جاری باشد و در آن خیش زده، و شخم نکرده باشند، فرود آورند، و آنجا در وادی، گردن گوساله را بشکنند.

۵ و بنی لاوی کهنه نزدیک بیایند، چونکه یهوه خدایت ایشان را برگزیده است تا او را خدمت نمایند، و به نام خداوند برکت دهند، و بر حسب قول ایشان هر منازعه و هر آزاری فیصل پذیرد.

۶ و جمیع مشایخ آن شهری که نزدیک تریه مقتول است، دستهای خود را بر گوسالهای که گردش در وادی شکسته شده است، بشویند.

۷ و جواب داده، بگویند: «ستهای ما این خون را زنیخته، و چشمان مانده است.

۸ ای خداوند قوم خود اسرائیل را که فدیه دادهای بیامرز، و مگذار که خون پیگانه در میان قوم تو اسرائیل بماند.» پس خون برای ایشان عفو خواهد شد.

۹ پس خون پیگانه را از میان خود رفع کردهای هنگامی که آنچه در نظر خداوند راست است به عمل آوردهای.

از دواج با سرا

چون بیرون روی تاباد شمنان خود جنگ کنی، و یهوه خدایت ایشان را به دست تسلیم نماید و ایشان را اسیر کنی،

و در میان اسیران زن خوب صورتی دیده، عاشق او بشوی و بخواهی او را به زنی خود بگیری، پس او را به خانه خود بیاور و او سر خود را بر او نشاند و ناخن خود را بگیرد.

۱۳ و رخت اسیری خود را بیرون کرده، در خانه تو بماند، و برای پدر و مادر خود یک ماه ماتم گیرد، و بعد از آن به او در آمده، شوهر او بشو و او زن تو خواهد بود.

۱۴ و اگر از وی راضی نباشی او را به خواهش دلش رها کن، لیکن او را به نقره هرگز مفروش و به او سختی مکن چونکه او را ذلیل کردهای.

حق نخست زاده

و اگر مردی را دو زن باشد یکی محبوبه و یکی مکروهه، و محبوبه و مکروهه هر دو برایش پسران بزایند، و پسر مکروهه نخست زاده باشد،

پس در روزی که اموال خود را به پسران خویش تقسیم نماید، نمی تواند پسر محبوبه را بر پسر مکروهه که نخست زاده است، حق نخست زادگی دهد.

۱۷ بلکه حصهای مضاعف از جمیع اموال خود را به پسر مکروهه داده، او را نخست

زاده خویش اقرار نماید، زیرا که او ابتدای قوت اوست و حق نخست زادگی از آن اومی

باشد.

پسر سرکش

اگر کسی را پسری سرکش و فتنه انگیز باشد، که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد، و هر چند او را تادیب نمایند ایشان را نشنود،

پدر و مادرش او را گرفته، نزد مشایخ شهرش به دروازه محلهاش بیاورند.

۲۰ و به مشایخ شهرش گویند: «این پسر ماسرکش و فتنه انگیز است، سخن ما را نمی شنود و مسرف و میگسار است.»

پس جمیع اهل شهرش او را به سنگ سنگسار کنند تا بمیرد، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای و تمامی اسرائیل چون بشنوند، خواهند ترسید.

قوانین دیگر

و اگر کسی گناهی را که مستلزم موت است، کرده باشد و کشته شود، و او را به دار کشیده باشی،

بدنش در شب بردار نماند. او را البته در همان روز دفن کن، زیرا آنکه بردار آویخته شود ملعون خداست تا زمینی را که بیوه، خدایت، تورا به ملکیت میدهد، نجس نسازی.

اگر گاو یا گوسفند برادر خود را گم شده بینی، از او رو مگردان. آن را البته نزد برادر خود برگردان.

۲ و اگر برادرت نزدیک تو نباشد یا او را شناسی، آن را به خانه خود بیاور و نزد تو بماند، تا برادرت آن را طلب نماید، آنگاه آن را به او رد نما.

۳ و به الاغ او چنین کن و به لباسش چنین عمل نما و به هر چیز گمشده برادرت که از او گم شود و یافته باشی چنین عمل نما، نمی توانی از او رو گردانی.

اگر الاغ یا گاو برادرت را در راه افتاده بینی، از آن رو مگردان، البته آن را با او بر خیزان. متاع مرد بر زن نباشد، و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این کار را کند مکروه بیوه خدای توست.

اگر اتفاق آشیانه مرغی در راه به نظر تو آید، خواه بر درخت یا بر زمین، و در آن بچه‌های یا تخمها باشد، و مادر بر بچه‌های یا تخمها نشسته، مادر را با بچه‌ها مگیر.

۷ مادر را البته رها کن و بچه‌ها را برای خود بگیر، تا برای تونیکو شود و عمر دراز کنی. چون خانه نو بنا کنی، بر پشت بام خود دیواری بساز، مبادا کسی از آن بیفتد و خون بر خانه خود بپاوری.

در تا کستان خود دو قسم تخم مکار، مبادا تمامی آن، یعنی هم تخمی که کاشته‌ای و هم محصول تا کستان، وقف شود.

گاو و الاغ را با هم جفت کرده، شیر منما.
پارچه مختلط از پشم و گان با هم می‌پوش.

بر چهار گوشه رخت خود که خود را به آن می‌پوشانی، رشته‌ها بساز.
مکروه داشتن زن

اگر کسی برای خود زنی گیرد و چون بدود در آید، او را مکروه دارد.

۱۴ و اسباب حرف بد و نسبت داده، از او اسم بد شهرت دهد و گوید این زن را گرفتم و چون به او نزدیکی نمودم، او را با کره نیافتم.

۱۵ آنگاه پدر یا مادر آن دختر علامت بکارت دختر برداشته، نزد مشایخ شهر نزد دروازه بیاورند.

۱۶ و پدر دختر به مشایخ بگوید: «ختر خود را به این مرد به زنی دادهام، و از او کراهِت دارد،

و اینک اسباب حرف بد و نسبت داده، میگوید دختر تو را با کره نیافتم، و علامت بکارت دختر من این است.» پس جامه را پیش مشایخ شهر برگسترانند.

۱۸ پس مشایخ آن شهر آن مرد را گرفته، تنبیه کنند.

۱۹ و او را صد مثقال نقره جریمه نموده، به پدر دختر بدهند چونکه بر با کره اسرائیل بدنامی آورده است. و او زن وی خواهد بود و در تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند.

لیکن اگر این سخن راست باشد، و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود،

آنگاه دختر آن در در خانه پدرش بیرون آورند، و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد، چونکه در خانه پدر خود زنا کرده، در اسرائیل قباحتی نموده است. پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

اگر مردی یافت شود که بازن شوهر داری همبستر شده باشد، پس هر دو یعنی مردی که بازن خوابیده است و زن، کشته شوند. پس بدی را از اسرائیل دور کرده‌ای. اگر دختری که‌های به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته، با او همبستر شود، پس هر دو ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده، ایشان را با سنگ‌ها سنگسار کنند تا بمیرند؛ اما دختر را چونکه در شهر بود و فریاد نکرد، و مرد را چونکه زن همسایه خود را ذلیل ساخت، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

اما اگر آن مرد دختری نامزد را در صحرا یا بدو آن مرد به او زور آورده، با او بخوابد، پس آن مرد که با او خوابیده، تنها کشته شود.

۲۶ و اما با دختر هیچ ممکن زیر بر دختر، گناه مستلزم موت نیست، بلکه این مثل آن است که کسی بر همسایه خود برخاسته، او را بکشد.

۲۷ چونکه او را در صحرا یافت و دختر نامزد فریاد بر آورد و برایش رهاننده‌ای نبود. و اگر مردی دختری که‌های را که نامزد نباشد بباید و او را گرفته، با او همبستر شود و گرفتار شوند،

آنکه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد، چونکه او را ذلیل ساخته است و در تمامی عمرش نمی تواند او را رها کند. هیچکس زن پدر خود را نگیرد و دامن پدر خود را منکشف نسازد.

ممانعت از حضور در

جماعت خداوند شخصی که کوبیده پیضه و آلت بریده باشد داخل جماعت خداوند نشود. حرام زاده‌های داخل جماعت خداوند نشود، حتی تا پشت دهم احدی از او داخل جماعت خداوند نشود.

۳ عمومی و موآبی داخل جماعت خداوند نشوند. حتی تا پشت دهم، احدی از ایشان هرگز داخل جماعت خداوند نشود.

۴ زیرا وقتی که شما از مصر بیرون آمدید، شمارا در راه به نان و آب استقبال نکردند، و از این جهت که بلعام بن بعور را از فتور ارام نهرین اجیر کردند تا تورالعنت کند.

۵ لیکن یهوه خدایت نخواست بلعام را بشنود، پس یهوه خدایت لعنت را به جهت تو، به برکت تبدیل نمود، چونکه یهوه خدایت تورادوست میداشت.

۶ ابد در تمامی عمرت جو یای خیریت و سعادت ایشان مباش. ادموی رادشمن مدار چونکه برادر توست، و مصری رادشمن مدار چونکه در زمین وی غریب بودی. ۸ اولادی که از ایشان زاییده شوند در پشت سوم داخل جماعت خداوند شوند.

تقدیس اردو

چون در اردو به مقابله دشمنانت بیرون روی خویشان را از هر چیز بد نگاه دار. اگر در میان شما کسی باشد که از احتلام شب نجس شود، از اردو بیرون رود و داخل اردو نشود. ۱۱ چون شب نزدیک شود با آب غسل کند، و چون آفتاب غروب کند، داخل اردو شود. و تورا مکانی بیرون از اردو باشد تا به آنجا بیرون روی. ۱۳ و در میان اسباب تومیخی باشد، و چون بیرون میشینی با آن بکن و برگشته، فضله خود را از آن پوشان. ۱۴ زیرا که یهوه خدایت در میان اردوی تومیخرا مدت تورا رهایی داده، دشمنانت را به تو تسلیم نماید، پس اردوی تو مقدس باشد، مبادا چیز بلید را در میان تو دیده، از تو روگرداند.

احکام مختلف

غلامی را که از آقای خود نزد تو بگریزد به آقایش مسپار. ۱۶ باتو در میان تو در مکانی که برگزینند در یکی از شهرهای تو که به نظرش پسند آید، ساکن شود. و بر او جفا منما. از دختران اسرائیل فاحشهای نباشد و از پسران اسرائیل لواطی نباشد. ۱۸ اجرت فاحشه و قیمت سگ را برای هیچ نداری به خانه یهوه خدایت میاور، زیرا که این هر دو نزد یهوه خدایت مکروه است. برادر خود را به سود قرض مده نه به سود نقره و نه به سود آذوقه و نه به سود هر چیزی که به سود داده میشود. ۲۰ غریب را میتوانی به سود قرض بدی، اما برادر خود را به سود قرض مده تا یهوه خدایت در زمینی که برای تصرفش داخل آن میشوی تو را به هر چه دستت را بر آن درازی کنی، برکت دهد.

چون نذری برای یهوه خدایت میکنی دروفای آن تاخیر منما، زیرا که یهوه خدایت البته آن را از تو مطالبه خواهد نمود، و برای تو نگاه خواهد بود.

۲۲ اما گرا نذر کردن ابائمانی، تو را نگاه نخواهد بود.

۲۳ آنچه را که از دهانت بیرون آید، هوشیار باش که بجای آوری، موافق آنچه برای یهوه خدایت از اراده خود نذر کرده‌ای و به زبان خود گفته‌ای.

چون به تا کستان همسایه خود در آیی، از انگور، هر چه میخوای به سیری بخور، اما در ظرف خود هیچ مگذار.

چون به کشتزار همسایه خود داخل شوی، خوشه‌ها را به دست خود بچین، اما داس بر کشت همسایه خود مگذار.

چون کسی زنی گرفته، به نکاح خود در آورد، اگر در نظر او پسند نیاید از این که چیزی ناشایسته در او بیابد آنگاه طلاق نامهای نوشته، بدستش دهد، و او را از خانه‌اش رها کند.

۲ و از خانه او روانه شده، برود وزن دیگری شود.

۳ و اگر شوهر دیگری را و او را مکروه دارد و طلاق نامهای نوشته، بدستش بدهد و او را از خانه‌اش رها کند، یا اگر شوهری دیگر که او را به زنی گرفت، بمیرد،

شوهر اول که او را رها کرده بود، نمی‌تواند دوباره او را به نکاح خود در آورد. بعد از آن ناپاک شده است، زیرا که این به نظر خداوند مکروه است. پس بر زمینی که

یهوه، خدایت، تو را به ملکیت میدهد، نگاه میاور.

چون کسی زن تازه‌ای بگیرد، در لشکر بیرون نرود، و هیچ کاریه او تکلیف نشود، تا یک

سال در خانه خود آزاد بماند، و زنی را که گرفته است، مسرور سازد.

هیچکس آسیا یا سنگ بالایی آن را به گرونگیرد، زیرا که جان را به گرو گرفته است.

اگر کسی یافت شود که یکی از برادران خود از بنی اسرائیل را دزدیده، بر او ظلم کند یا بفروشد،

آن دزد کشته شود، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

درباره بالای برص هوشیار باش که به هر آنچه لایویان کهنه شمارت تعلیم دهند به دقت توجه

نموده، عمل نمائید، و موافق آنچه به ایشان امر فرمودم، هوشیار باشید که عمل نمائید.

۹ پیاد آور که یهوه خدایت در راه با مریم چه کرد، وقتی که شما از مصر بیرون آمدید.

- چون به همسایه خود هر قسم قرض دهی، برای گرفتن گروهی خانهاش داخل مشو.
- ۱۱ بلکه بیرون بایست تا شخصی که به او قرض میدهی گرو را نزد تو بیرون آورد.
- ۱۲ واگر مرد فقیر باشد در گرو او بخواب.
- ۱۳ البته به وقت غروب آفتاب، گرو را به او پس بده، تا در رخت خود بخوابد و تورا برکت دهد و به حضور یهوه خدایت، عدالت شمرده خواهد شد.
- برمزدوری که فقیر و مسکین باشد، خواه از برادرانت و خواه از غریبانی که در زمینت در اندرون دروازه‌های تو باشند ظلم منما.
- ۱۵ در همان روز مزدش را بده، و آفتاب بر آن غروب نکند، چونکه او فقیر است و دل خود را به آن بسته است، مباد ابر تو نزد خداوند فریاد بر آورد و برای تو گناه باشد.
- پدران به عوض پسران کشته نشوند، و نه پسران به عوض پدران خود کشته شوند. هر کس برای نگاه خود کشته شود.
- داوری غریب و یتیم را منحرف مساز، و جامه بیوه را به گرو مگیر.
- ۱۸ و بیاد آور که در مصر غلام بودی و یهوه، خدایت، تورا از آنجافدیه داد. بنابراین من تورا امر میفرمایم که این کار را معمول داری.
- چون محصول خود را در مزرعه خویش درو کنی، و در مزرعه، بافهای فراموش کنی، برای برداشتن آن بر مگرد؛ برای غریب و یتیم و بیوه زن باشد تا یهوه خدایت تورا در همه کارهای دستت برکت دهد.
- ۲۰ چون زیتون خود را بتکانی بار دیگر شاخه‌ها را متکان؛ برای غریب و یتیم و بیوه باشد.
- چون انگور تا کستان خود را بچینی بار دیگر آن را بچین، برای غریب و یتیم و بیوه باشد.
- ۲۲ و بیاد آور که در زمین مصر غلام بودی. بنابراین تورا امر میفرمایم که این کار را معمول داری.
- اگر در میان مردم مرا فحهای باشد و به محاکمه آیند و در میان ایشان داوری نمایند، آنگاه عادل را عادل شمارند، و شریر را ملزم سازند.
- ۲ واگر شریر مستوجب تازیانه باشد آنگاه داور، او را بخواباند و حکم دهد تا او را موافق شرارتش به حضور خود به شماره بزنند.

۳ چهل تازیانه اورا بزند و زیاد نکنند، مبادا اگر از این زیاد کرده، تازیانه بسیار زند، برادرت در نظر تو خوار شود.

دهن گاورا هنگامی که خرمن را خرد میکند، مبنده.

اگر برادران با هم ساکن باشند و یکی از آنها بی اولاد بمیرد، پس زن آن متوفی، خارج به شخص بیگانه داده نشود، بلکه برادر شوهرش به او درآمده، او را برای خود به زنی بگیرد، و حق برادر شوهری را با او بجا آورد.

۶ و نخست زاده‌های که بزاید به اسم برادر متوفی او وارث گردد، تا اسمش از اسرائیل محو نشود.

۷ و اگر آن مرد به گرفتن زن برادرش راضی نشود، آنگاه زن برادرش به دروازه نزد مشایخ برود و گوید: «رادر شوهر من از برپاداشتن اسم برادر خود در اسرائیل انکار میکند، و از بجا آوردن حق برادر شوهری بامن ابامینماید.»

پس مشایخ شهرش او را طلبیده، با وی گفتگو کنند، و اگر اصرار کرده، بگویند نمی‌خواهم او را بگیرم،

آنگاه زن برادرش نزد وی آمده، به حضور مشایخ کفش او را زپایش بکند، و به رویش آب دهن اندازد، و در جواب گوید: «ا کسیکه خانه برادر خود را بنا نکند، چنین کرده شود.»

و نام او در اسرائیل، خانه کفش کنده خوانده شود.

و اگر دو شخص بایکدیگر منازعه نمایند، و زن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زند هاش رها کند و دست خود را دراز کرده، عورت او را بگیرد، پس دست او را قطع کن. چشم تو را و ترحم نکنند.

در کیسه تو وزنه‌های مختلف، بزرگ و کوچک نباشد.

۱۴ در خانه تو یکلهای مختلف، بزرگ و کوچک، نباشد.

۱۵ تو را وزن صحیح و راست باشد و تو را کیل صحیح و راست باشد، تا عمرت در زمینی که پیوه، خدایت، به تومی دهد دراز شود.

۱۶ زیرا هر که این کار کند یعنی هر که بیانصافی نماید، نزد پیوه خدایت مکروه است.

بیاد او را آنچه عمالیک وقت بیرون آمدنت از مصر در راه به تو نمودند.

۱۸ که چگونه تورادر راه، مقابله کرده، همه و اماندگان را در عقب تواز موخرت قطع نمودند، در حالی که توضعیف و و امانده بودی و از خدا ترسیدند.
 ۱۹ پس چون یهوه خدایت تورادزمینی که یهوه، خدایت، تورایرای تصرفش نصیب میدهد، از جمیع دشمنانت آرامی بخشد، انگاه ذکر عمالیتی را از زیر آسمان محوساز و فراموش مکن.

نوبر و دهیک

و چون به زمینی که یهوه خدایت تورانصیب میدهد داخل شدی، و در آن تصرف نموده، ساکن گردیدی،
 انگاه نوبر تمامی حاصل زمین را که از زمینی که یهوه خدایت به تومی دهد، جمع کرده باشی بگیر، و آن را در رسبگذاشته، به مکانی که یهوه خدایت برگزیندتانام خود را در آن ساکن گرداند، برو.

۳ و نزد کاهنی که در آن روزها باشد رفته، وی را بگو: «مرو برای یهوه خدایت اقرار میکنم که به زمینی که خداوند برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد، داخل شدهام.»
 و کاهن سبدر از دست گرفته، پیش مذبح یهوه خدایت بگذارد.

۵ پس توبه حضور یهوه خدای خود اقرار کرده، بگو: «در من آرامی آواره بود، و با عددی قلیل به مصر فرود شده، در آنجا غربت پذیرفت، و در آنجا امتی بزرگ و عظیم و کثیر شد.

۶ و مصریان با ما مبد رفتاری نموده، ما را ذلیل ساختند، و بندگی سخت بر ما نهادند.
 ۷ و چون نزد یهوه، خدای پدران خود، فریاد بر آوردیم، خداوند آواز ما را شنید و مشقت و محنت و تنگی ما را دید.

۸ و خداوند ما را از مصر به دست قوی و بازوی افراشته و خوف عظیم، و با آیات و معجزات بیرون آورد.

۹ و ما را به این مکان در آورده، این زمین را زمینی که به شیر و شهد جاری است به ما بخشید.
 ۱۰ و الان اینک نوبر حاصل زمینی را که توای خداوند به من دادی، آورد هام.» پس آن را به حضور یهوه خدای خود بگذار، و به حضور یهوه، خدایت، عبادت نما.

۱۱ و توبالای و غریبی که در میان توباشد از تمامی نیکویی که یهوه، خدایت، به تو و به خاندانت بخشیده است، شادی خواهی نمود.
 و در سال سوم که سال عشر است، چون از گرفتن تمامی عشر محصول خود فارغ شدی، آن را به لای و غریب و یتیم و بیوه زن بده، تا در اندرون دروازه های تو بخورند و سیر شوند.
 ۱۳ و به حضور یهوه خدایت بگو: «وقوفات را از خانه خود بیرون کردم، و آنها را نیز به لای و غریب و یتیم و بیوه زن، موافق تمامی اوامری که به من امر فرمودی، دادم، و از او امر تو تجاوز ننموده، فراموش نکردم.»

۱۴ در ماتم خود از آنها نخوردم و در نجاستی از آنها صرف ننمودم، و برای اموات از آنها ندادم، بلکه به قول یهوه، خدایم، گوش داده، موافق هر آنچه به من امر فرمودی، رفتار نمودم.
 ۱۵ از مسکن مقدس خود از آسمان بنگر، و قوم خود اسرائیل و زمینی را که به مادادی چنانکه برای پدران ما قسم خوردی، زمینی که به شیر و شهد جاری است، برکت بده،»

نگهداری اوامر خدا

امر و زبیهوه، خدایت، تو را امر میفرماید که این فرایض و احکام را بجا آوری، پس آنها را به تمامی دل و تمامی جان خود نگاه داشته، بجا آور.
 ۱۷ امر و زبیهوه اقرار نمودی که خدای توست، و اینکه به طریقه های اوسلوک خواهی نمود، و فرایض و اوامر و احکام او را نگاه داشته، آواز او را خواهی شنید.
 ۱۸ و خداوند امر و زبیهوه توار قرار کرده است که تو قوم خاص او هستی، چنانکه به تو وعده داده است، و تا تمامی اوامر او را نگاه داری.
 ۱۹ و تا تو را در ستایش و نام و اکرام از جمیع امتیابی که ساخته است، بلند گرداند، و تا برای یهوه، خدایت، قوم مقدس باشی، چنانکه وعده داده است.

مذبح در کوه عیبال

و موسی و مشایخ اسرائیل، قوم را امر فرموده، گفتند: «ما می اوامری را که من امروز به شما امر میفرمایم، نگاه دارید.»

۲ و در روزی که از اردن به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد عبور کنید، برای

خود سنگهای بزرگ برپا کرده، آنها را با گچ بمال.

۳ و بر آنها تمامی کلمات این شریعت را بنویس، هنگامی که عبور نمایی تا به زمینی که یهوه، خدایت، به تو میدهد، داخل شوی، زمینی که به شیر و شهد جاری است، چنانکه یهوه خدای پدرانت به تو وعده داده است.

۴ و چون از اردن عبور نمودی این سنگها را که امر وزبه شما امر میفرمایم در کوه عیبال برپا کرده، آنها را با گچ بمال.

۵ و در آنجا مذبحی برای یهوه خدایت بنا کن، و مذبح از سنگها باشد و آلت آهنین بر آنها بکار مبر.

۶ مذبح یهوه خدای خود را از سنگهای ناتراشیده بنا کن، و قربانی های سوختنی برای یهوه خدایت، بر آن بگذران.

۷ و ذبایح سلامتی ذبح کرده، در آنجا بخور و به حضور یهوه خدایت شادی نما.

۸ و تمامی کلمات این شریعت را بر آن به خط روشن بنویس.»

لعنت ها

پس موسی و لاویان کهنه تمامی اسرائیل را خطاب کرده، گفتند:

«ای اسرائیل خاموش باش و بشنو. امروز قوم یهوه خدایت شدی.

۱۱ پس آواز یهوه خدایت را بشنو و او امر و فریض او را که من امر وزبه تو امر میفرمایم، بجا آر.»

«و ن از اردن عبور کردید، اینان یعنی شمعون و لاوی و یهودا و یساکار و یوسف و بنیامین بر کوه جرزیم بایستند تا قوم را برکت دهند.

۱۳ و اینان یعنی روبین و جاد و اشیر و زبولون و دان و نفتالی بر کوه عیبال بایستند تا نفرین کنند.

۱۴ و لاویان جمیع مردان اسرائیل را به آواز بلند خطاب کرده، گویند:

«لعون باد کسیکه صورت تراشیده یار یخته شده از صنعت دست کارگر که نزد خداوند مکروه است، بسازد، و مخفی نگاه دارد.» و تمامی قوم در جواب بگویند: «مین!»

«لعون باد کسیکه با پدر و مادر خود به خفت رفتار نماید.» و تمامی قوم بگویند: «مین!»

«لعون باد کسیکه حد همسایه خود را تغییر دهد.» و تمامی قوم بگویند: «مین!»

«لعون باد کسیکه ناینارا از راه منحرف سازد.» و تمامی قوم بگویند: «مین!»
 «لعون باد کسیکه داوری غریب و یتیم و بیوه را منحرف سازد.» و تمامی قوم بگویند:
 «مین!»
 «لعون باد کسیکه بازن پدر خود همبستر شود، چونکه دامن پدر خود را کشف نموده
 است.» و تمامی قوم بگویند: «مین!»
 «لعون باد کسیکه با هر قسم بهایمی بخوابد.» و تمامی قوم بگویند: «مین!»
 «لعون باد کسیکه با خواهر خویش چه دختر پدر و چه دختر مادر خویش بخوابد.» و تمامی
 قوم بگویند: «مین!»
 «لعون باد کسیکه با مادر زن خود بخوابد.» و تمامی قوم بگویند: «مین!»
 «لعون باد کسیکه همسایه خود را در پنهانی بزند.» و تمامی قوم بگویند: «مین!»
 «لعون باد کسیکه رشوه گیرد تا خون بیگانه ریخته شود.» و تمامی قوم بگویند: «مین!»
 «لعون باد کسیکه کلمات این شریعت را اثبات نماید تا آنها را بجانیاورد.» و تمامی قوم بگویند:
 «مین!»

برکت

«اگر آوازیهوه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده، تمامی او امر او را که من
 امر و زبته تو امر میفرمایم بجا آوری، آنگاه یهوه خدایت تو را بر جمیع امتهای جهان بلند خواهد
 گردانید.

۲ و تمامی این برکتها به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت، اگر آوازیهوه خدای خود
 را بشنوی.

۳ در شهر، مبارک و در صحرا، مبارک خواهی بود.

۴ میوه بطن تو و میوه زمین تو و میوه بهایمت و بچه های گاو و بره های گله تو مبارک خواهند
 بود.

۵ سید و ظرف خمیر تو مبارک خواهد بود.

۶ وقت در آمدنت مبارک، و وقت بیرون رفتنت مبارک خواهی بود.

«خداوند دشمنانت را که با تو مقاومت نمایند، از حضور تو منزه خواهد ساخت، از یک
 راه بر تو خواهند آمد، و از هفت راه پیش تو خواهند گریخت.

- ۸ خداوند در انبارهای تو و به هر چه دست خود را به آن دراز میکنی بر تو برکت خواهد فرمود، و تو را در زمینی که یهوه خدایت به تو میدهد، مبارک خواهد ساخت.
- ۹ و اگر او امر یهوه خدای خود را نگاهداری، و در طریقهای او سلوک نمایی، خداوند تو را برای خود قوم مقدس خواهد گردانید، چنانکه برای تو قسم خورده است.
- ۱۰ و جمیع امتهای زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده شده است، و از تو خواهند ترسید.
- ۱۱ و خداوند تو را در میوه بطن و ثمره بهایمت و محصول زمینت، در زمینی که خداوند برای پدرانت قسم خورد که به تو بدهد، به نیکویی خواهد افزود.
- ۱۲ و خداوند خزینه نیکوی خود، یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود، تا باران زمین تو را در موسمش بباراند، و تو را در جمیع اعمال دست مبارک سازد، و به امتهای بسیار قرض خواهی داد، و تو قرض نخواهی گرفت.
- ۱۳ و خداوند تو را سر خواهد ساخت نه دم، و بلند خواهی بود فقط نه پست، اگر او امر یهوه خدای خود را که من امر و زبه تو امر می فرمایم بشنوی، و آنها را نگاه داشته، بجا آوری.
- ۱۴ و از همه سخنانی که من امر و زبه تو امر می کنم به طرف راست یا چپ میل نکنی، تا خدایان غیر را پیروی نموده، آنها را عبادت کنی.
- لعنت**
- «اما اگر او امر یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده، همه او امر و فریاض او را که من امر و زبه تو امر میفرمایم بجا آوری، آنگاه جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را خواهد دریافت.
- ۱۶ در شهر ملعون، و در صحرا ملعون خواهی بود.
- ۱۷ سبد و ظرف خمیر تو ملعون خواهد بود.
- ۱۸ میوه بطن تو و میوه زمین تو و بچه های گاو و بره های گله تو ملعون خواهد بود.
- ۱۹ وقت درآمدت ملعون، و وقت بیرون رفتنت ملعون خواهی بود.
- ۲۰ و به هر چه دست خود را برای عمل نمودن دراز میکنی خداوند بر تو لعنت و اضطراب و سرزنش خواهد فرستاد تا به زودی هلاک و نابود شوی، به سبب بدی کارهایت که به آنها مرا ترک کرده ای،
- خداوند و بار بار تو مصلح خواهد ساخت، تا تو را از زمینی که برای تصرفش به آن داخل

- میشوی، هلاک سازد.
- ۲۲ و خداوند تورا با سل و تب و التهاب و حرارت و شمشیر و باد سموم و یرقان خواهد زد، و تورا تعاقب خواهند نمود تا هلاک شوی.
- ۲۳ و فلک تو که بالای سرت است مس خواهد شد، و زمینی که زیرت است آهن.
- ۲۴ و خداوند باران زمینت را گرد و غبار خواهد ساخت، که از آسمان بر تو نازل شود تا هلاک شوی.
- «خداوند تورا پیش روی دشمنانت منہزم خواهد ساخت. از یک راه برایشان بیرون خواهی رفت، و از هفت راه از حضور ایشان خواهی گریخت، و در تمامی ممالک جهان به تلاطم خواهی افتاد.
- ۲۶ و بدن شما برای همه پرندگان هوا و ما هم زمین خوراک خواهد بود، و هیچکس آنها را دور نخواهد کرد.
- ۲۷ خداوند تورا به دنبال مصر و خراج و جرب و خارش که تو از آن شفقتوانی یافت، مبتلا خواهد ساخت.
- ۲۸ خداوند تورا به دیوانگی و ناپیایی و پریشانی دل مبتلا خواهد ساخت.
- ۲۹ و در وقت ظهر مثل کوری که در تاریکی لمس نماید کورانه راه خواهی رفت، و در راههای خود کامیاب نخواهی شد، بلکه در تمامی روزهایت مظلوم و غارت شده خواهی بود، و نجات دهندهای نخواهد بود.
- ۳۰ زنی را نامزد خواهی کرد و دیگری با او خواهد خوابید. خانهای بنا خواهی کرد و در آن ساکن نخواهی شد. تا کستانی غرس خواهی نمود و میوه اش را نخواهی خورد.
- ۳۱ گاو در نظرت کشته شود و از آن نخواهی خورد. الاغت پیش روی توبه غارت برده شود و باز به دست تو نخواهند آمد. گوسفند توبه دشمنت داده میشود و برای تورها کنندهای نخواهد بود.
- ۳۲ پسران و دختران به امت دیگر داده میشوند، و چشمانت نگر بسته از آرزوی ایشان تمامی روز کاهیده خواهد شد، و در دست تو هیچ قوهای نخواهد بود.
- ۳۳ میوه زمینت و مشقت تو را امتی که نشناختهای، خواهند خورد، و همیشه فقط مظلوم و کوفته شده خواهی بود.

- ۳۴ به حدی که از چیزهایی که چشمت میبیند، دیوانه خواهی شد.
- ۳۵ خداوند زانوها و ساقها و از کف پاتا فرق سرتورا به دنبال بد که از آن شفا نتوانی یافت، مبتلا خواهد ساخت.
- ۳۶ خداوند تورا و پادشاهی را که بر خود نصب مینمایی، بسوی امتی که تو و پدرانت نشناختیاید، خواهد برد، و در آنجا خدايان غير را از چوب و سنگ عبادت خواهی کرد.
- ۳۷ و در میان تمامی امتهایی که خداوند شمارا به آنجا خواهد برد، عبرت و مثل و سخنریه خواهی شد.
- «خم بسیاریه مزرعه خواهی برد، و اندکی جمع خواهی کرد چونکه ملخ آن را خواهد خورد.
- ۳۹ تا کستانها غرس نموده، خدمت آنها را خواهی کرد، اما شراب را نخواهی نوشید و انگور را نخواهی چید، زیرا کرم آن را خواهد خورد.
- ۴۰ تورا در تمامی حدودت درختان زیتون خواهد بود، لکن خویشتن را به زیت تدهین نخواهی کرد، زیرا زیتون تورا سر ریخته خواهد شد.
- ۴۱ پسران و دختران خواهی آورد، لیکن از آن تو نخواهند بود، چونکه به اسپیری خواهند رفت.
- ۴۲ تمامی درختانت و محصول زمینت را ملخ به تصرف خواهد آورد.
- ۴۳ غریبی که در میان تو است بر توبه نهایت رفیع و برافراشته خواهد شد، و توبه نهایت پست و متنزل خواهی گردید.
- ۴۴ اوبه تو قرض خواهد داد و توبه او قرض نخواهی داد، او سر خواهد بود و تو دم خواهی بود.
- «جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تورا تعاقب نموده، خواهد دریافت تا هلاک شوی، از این جهت که قول بیوه خدایت را گوش ندادی تا او امر و فریضی را که به تو امر فرموده بود، نگاه داری.
- ۴۶ و تورا و ذریت تورا تا به ابد آیت و شگفت خواهد بود.
- «از این جهت که بیوه خدای خود را به شادمانی و خوشی دل برای فراوانی همه چیز عبادت نمودی.
- ۴۸ پس دشمنانت را که خداوند بر تو خواهد فرستاد در گرسنگی و تشنگی و برهنگی و احتیاج همه چیز خدمت خواهی نمود، و یوغ آهنین بر گردنت خواهد گذاشت تا تورا هلاک سازد.

۴۹ و خداوند از دور، یعنی از اقصای زمین، امتی را که مثل عقاب میپرد بر تو خواهد آورد، امتی که زبانش را نخواهی فهمید.

امتی مهیب صورت که طرف پیران را نگاه ندارد و بر جوانان ترحم ننماید.

۵۱ و نتایج بهایم و محصول زمینت را بخورد تا هلاک شوی. و برای تو نیز غله و شیر و روغن و بچه‌های گاو و بروه‌های گوسفند را باقی نگذارد تا تو را هلاک سازد.

۵۲ و تورا در تمامی دروازه‌های محاصره کند تا دیواره‌های بلند و حصین که بر آنها توکل داری در تمامی زمینت منهدم شود، و تورا در تمامی دروازه‌هایت، در تمامی زمینی که به پوه خدایت به تو میدهد، محاصره خواهد نمود.

۵۳ و میوه بطن خود، یعنی گوشت پسران و دخترانت را که به پوه خدایت به تو میدهد در محاصره و تنگی که دشمنانت تورا به آن زیون خواهند ساخت، خواهی خورد.

۵۴ مردی که در میان شمانازم و بسیار متنعم است، چشمش بر برادر خود وزن هم آغوش خویش و بقیه فرزندان او که باقی میمانند بد خواهد بود.

۵۵ به حدی که به احدی از ایشان از گوشت پسران خود که میخورد نخواهد داد زیرا که در محاصره و تنگی که دشمنانت تورا در تمامی دروازه‌هایت به آن زیون سازند، چیزی برای اوباقی نخواهد ماند.

۵۶ وزنی که در میان شمانازک و متنعم است که به سبب تععم و نازکی خود جرات نمی‌کند که کف پای خود را به زمین بگذارد، چشم او بر شوهر هم آغوش خود و پسر و دختر خویش بد خواهد بود.

۵۷ و بر مشیم‌های که از میان پایهای او در آید و بر اولادی که بزیادتر است که آنها را به سبب احتیاج همه چیز در محاصره و تنگی که دشمنانت در دروازه‌هایت به آن تورا زیون سازند به پنهانی خواهد خورد.»

اگر به عمل نمودن تمامی کلمات این شریعت که در این کتاب مکتوب است، هوشیار نشوی و از این نام مجید و مهیب، یعنی به پوه، خدایت، تترسی،

آنگاه خداوند بلا یای تو و بلا یای اولاد تو را عجیب خواهد ساخت، یعنی بلا یای عظیم و مزمن و مرضهای سخت و مزمن.

۶۰ و تمامی بیماریهای مصر را که از آنها می‌ترسیدی بر تو باز خواهد آورد و به تو خواهد چسبید.

- ۶۱ و نیز همه مرضها و همه بلا یابی که در طومار این شریعت مکتوب نیست آنها را خداوند بر تو مستولی خواهد گردانید تا هلاک شوی.
- ۶۲ و گروه قلیل خواهید ماند، بر عکس آن که مثل ستارگان آسمان کثیر بودید، زیرا که آوازه بوه خدای خود را شنیدید.
- ۶۳ و واقع میشود چنانکه خداوند بر شما شادی نمود تا به شما احسان کرده، شمار ایفزیاید همچنین خداوند بر شما شادی خواهد نمود تا شمارا هلاک و نابود گرداند، و ریشه شما از زمینی که برای تصرفش در آن داخل میشوید کنده خواهد شد.
- ۶۴ و خداوند تورا در میان جمیع امتها از کران زمین تا کران دیگرش پراکنده سازد و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ که تو و پدرانت نشناختاید، عبادت خواهی کرد.
- ۶۵ و در میان این امتها استراحت نخواهی یافت و برای کف پایت آراهی نخواهد بود، و در آنجا بیهوشی تو را دل لرزان و کاهیدگی چشم و پژمردگی جان خواهد داد.
- ۶۶ و جان تو پیش رویت معلق خواهد بود، و شب و روز ترسناک شده، به جان خود اطمینان نخواهی داشت.
- ۶۷ با مداد ان خواهی گفت: کاش که شام میبود، و شامگاهان خواهی گفت: کاش که صبح میبود، به سبب ترس دلت که به آن خواهی رسید، و به سبب رویت چشمت که خواهی دید.
- ۶۸ و خداوند تورا در کشتیها از راهی که به تو گفتم آن را دیگر نخواهی دید به مصر باز خواهد آورد، و خود را در آنجا به دشمنان خویش برای غلامی و کنیزی خواهید فروخت و مشتری نخواهد بود.»

نگه داشتن احکام خداوند

- این است کلمات عهدی که خداوند در زمین موآب به موسی امر فرمود که با بنیاسرائیل ببندد، سوای آن عهد که با ایشان در حوریب بسته بود.
- و موسی تمامی اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان گفت: «را آنچه خداوند در زمین مصر با فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش عمل نمود، شما دیدهاید.
- ۳ تجربه های عظیم که چشمان تو دید و آیات و آن معجزات عظیم.

- ۴ اما خداوند دل‌ی را که بداند و چشمانی را که ببیند و گوشه‌ای را که بشنود تا امروز به شما نداده است.
- ۵ و شمارا چهل سال در بیابان رهبری نمودم که لباس شما مندرس نگردید، و کفشها در پای شما پاره نشد.
- ۶ نان نخورده و شراب و مسکرت ننوشیدهاید، تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم.
- ۷ و چون به اینجار رسیدید، سیحون، ملک حشون، و عوج، ملک باشان، به مقابله شما برای جنگ بیرون آمدند و آنها را مغلوب ساختیم.
- ۸ و زمین ایشان را گرفته، به رویینیان و جادیان و نصف سبط منسی به ملکیت دادیم.
- ۹ پس کلمات این عهد را نگاه داشته، بجای آورید تا در هر چه کنید کامیاب شوید.
- «مروز جمیع شما به حضور یهوه، خدای خود حاضرید، یعنی روسای شما و اسباط شما و مشایخ شما و سروران شما و جمیع مردان اسرائیل.
- ۱۱ و اطفال و زنان شما و غریبی که در میان اردوی شماست از هیزم شکان تا آب کشان شما.
- ۱۲ تا در عهد یهوه خدایت و سوگند او که یهوه خدایت امر و زیاتو استوار میسازد، داخل شوی.
- ۱۳ تا تو را امر و زبیرای خود قومی برقرار دارد، و او خدای تو باشد چنانکه به تو گفته است، و چنانکه برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده است.
- ۱۴ و من این عهد و این قسم را با شما تنها استوار نمی نمایم.
- ۱۵ بلکه با آنانی که امر و زیامابه حضور یهوه خدای مادر اینجا حاضرند، و هم با آنانی که امر و زیامادر اینجا حاضر نیستند.
- ۱۶ زیرا شما میدانید که چگونه در زمین مصر سکونت داشتیم، و چگونه از میان امتهایی که عبور نمودید، گذشتیم.
- ۱۷ و رجاسات و بتهای ایشان را از چوب و سنگ و نقره و طلا که در میان ایشان بود، دیدید.
- ۱۸ تا در میان شما مردی از قبایله باسطی نباشد که دلش امر و زیاهوه خدای ما منحرف گشته، برود و خدایان این طوایف را عبادت نماید، مبادا در میان شما ریشه‌ای باشد که

حفظ و افسنتین بار آورد.

«مبادا چون سخنان این لعنت را بشنود در دلش خویشتن را برکت داده، گوید: هر چند در سختی دل خود سلوک مینمایم تا سیراب و تشنه را با هم هلاک سازم، مراسم امتی خواهد بود.»

۲۰ خداوند او را نخواهد آمرزید، بلکه در آن وقت خشم و غیرت خداوند بر آن شخص دو دافشان خواهد شد، و تمامی لعنتی که در این کتاب مکتوب است، بر آن کس نازل خواهد شد، و خداوند نام او را از زیر آسمان محو خواهد ساخت.

۲۱ و خداوند او را از جمیع اسباط اسرائیل برای بدی جدا خواهد ساخت، موافق جمیع لعتهای عهدی که در این طومار شریعت مکتوب است.

۲۲ و طبقه آینده یعنی فرزندان شما که بعد از شما خواهند برخاست، و غریبانی که از زمین دور میآیند، خواهند گفت: هنگامی که بلایای این زمین و بیماریهایی که خداوند به آن میرساند ببینند.

۲۳ و تمامی زمین آن را که کبریت و شوره و آتش شده، نه کاشته میشود و نه حاصل میرود و هیچ علف در آن نمومی کند و مثل انقلاب سدوم و عموره و دامه صبوئیم که خداوند در غضب و خشم خود آنها را و از گون ساخت، گشته است.

۲۴ پس جمیع امتها خواهند گفت: چرا خداوند با این زمین چنین کرده است و شدت این خشم عظیم از چه سبب است؟

آنگاه خواهند گفت: از این جهت که عهدیهو خدای پدران خود را که به وقت بیرون آوردن ایشان از زمین مصر با ایشان بسته بود، ترک کردند.

۲۶ و رفته، خدایان غیر اعبادت نموده، به آنها سجده کردند، خدایانی را که نشناخته بودند و قسمت ایشان نساخته بود.

۲۷ پس خشم خداوند بر این زمین افروخته شده، تمامی لعنت را که در این کتاب مکتوب است، بر آن آورد.

۲۸ و خداوند ریشه ایشان را به غضب و خشم و غیض عظیم، از زمین ایشان کند و به زمین دیگر انداخت، چنانکه امروز شده است.

۲۹ چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ماو

فرزندان ما است، تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم.

برای بازگشت بسوی خدا

و چون جمیع این چیزها، یعنی برکت و لعنتی که پیش روی تو گذاشتم بر تو عارض شود، و آنها را در میان جمیع امتهایی که یهوه، خدایت، تورا به آنجا خواهد راند، بیاد آوری.

۲ و تو با فرزندان با تمامی دل و تمامی جان خود به سوی یهوه خدایت بازگشت نموده، قول اورا موافق هر آنچه که من امروز به تو امر می فرمایم، اطاعت نمایی.

۳ آنگاه یهوه خدایت اسپری تورا برگردانیده، بر تو ترحم خواهد کرد، و رجوع کرده، تورا از میان جمیع امتهایی که یهوه، خدایت، تورا به آنجا پراکنده کرده است، جمع خواهد نمود.

۴ اگر آوارگی تو تا کران آسمان بشود، یهوه، خدایت، تورا از آنجا جمع خواهد کرد و تورا از آنجا خواهد آورد.

۵ و یهوه، خدایت، تورا به زمینی که پدرانت مالک آن بودند خواهد آورد، و مالک آن خواهی شد، و بر تو احسان نموده، تورا بیشتر از پدرانت خواهد افزود.

«یهوه خدایت دل تو و دل ذریت تورا مختون خواهد ساخت تا یهوه خدایت را به تمامی دل و تمامی جان خود دوست داشته، زنده بمانی.

۷ و یهوه خدایت جمیع این لعنتها را بردشمنان و بر خصمانت که تورا آزر دهند، نازل خواهد گردانید.

۸ و تو بازگشت نموده، قول خدا و ندر اطاعت خواهی کرد، و جمیع اوامر او را که من امروز به تو امر میفرمایم، بجا خواهی آورد.

۹ و یهوه، خدایت، تورا در تمامی اعمال دستت و در میوه بطنت و نتایج بهایت و محصول زمینت به نیکویی خواهد افزود، زیرا خداوند بار دیگر بر تو برای نیکویی شادی خواهد کرد، چنانکه بر پدران تو شادی نمود.

۱۰ اگر آواز یهوه خدای خود را اطاعت نموده، او امر و فرائض او را که در طومار این شریعت مکتوب است، نگاه داری، و به سوی یهوه، خدای خود، با تمامی دل و تمامی جان بازگشت نمایی.

حیات و موت

«یراین حکمی که من امروز به تو امر می فرمایم، برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست.

۱۲ نه در آسمان است تا بگویی کیست که به آسمان برای ماصعود کرده، آن را نزد ما بیاورد و آن را به ما بشنوند تا به عمل آوریم.

۱۳ و نه آن طرف دریا که بگویی کیست که برای ما به آن طرف دریا عبور کرده، آن را نزد ما بیاورد و به ما بشنوند تا به عمل آوریم.

۱۴ بلکه این کلام، بسیار نزدیک توست و در دهان و دل توست تا آن را بجا آوری.

«بین امروز حیات و نیکویی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم.

۱۶ چونکه من امروز تو را امر میفرمایم که بپوه خدای خود را دوست بداری و در طریقه های

اورفتار نمایی، و او امر و فرایض و احکام او را نگاه داری تا زنده مانده، افزوده شوی،

و تاپوه، خدایت، تو را در زمینی که برای تصرفش به آن داخل میشوی، برکت دهد.

۱۷ لیکن اگر دل تو برگردد و اطاعت نمایی و فریفته شده، خدایان غیر را سجد و عبادت نمایی،

پس امروز به شما اطلاع میدهم که البته هلاک خواهید شد، و در زمینی که از اردن عبور

میکنید تا در آن داخل شده، تصرف نمائید، عمر طویل نخواهید داشت.

۱۹ امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد میآورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش

روی تو گذاشتم، پس حیات را برگزین تا تو با ذریتت زنده بمانی.

۲۰ و تاپوه خدای خود را دوست بداری و آواز او را بشنوی و با او ملصق شوی، زیرا

که او حیات تو و درازی عمر توست تا در زمینی که خداوند برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق

و یعقوب، قسم خورد که آن را به ایشان بدهد، ساکن شوی.»

یوشع، جانشین موسی

و موسی رفته، این سخنان را به تمامی اسرائیل بیان کرد،

و به ایشان گفت: «ن امروز صد و بیست ساله هستم و دیگر طاقت خروج و دخول ندارم،

و خداوند به من گفته است که از این اردن عبور نخواهی کرد.

۳ یهوه خدای تو، خود به حضور تو عبور خواهد کرد، و او این امتبار از حضور تو هلاک خواهد ساخت، تا آنها را به تصرف آوری، و یوشع نیز پیش روی تو عبور خواهد نمود چنانکه خداوند گفته است.

۴ و خداوند چنانکه به سیحون و عوج، دو پادشاه اموریان، که هلاک ساخت و به زمین ایشان عمل نمود به اینها نیز رفتار خواهد کرد.

۵ پس چون خداوند ایشان را به دست شما تسلیم کند شما با ایشان موافق تمامی حکمی که به شما امر فرمودم، رفتار ننمایید.

۶ قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان مباشید، زیرا یهوه، خدایت، خود باتو می رود و تورا و انخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود.»

و موسی یوشع را خوانده، در نظر تمامی اسرائیل به او گفت: «وی و دلیر باش زیرا که تو با این قوم به زمینی که خداوند برای پدران ایشان قسم خورد که به ایشان بدهد داخل خواهی شد، و توان را برای ایشان تقسیم خواهی نمود.»

۸ و خداوند خود پیش روی تومی رود و اوباتو خواهد بود و تورا و انخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود پس ترسان و هراسان مباش.»

قرائت تورات

و موسی این تورات را نوشته، آن را به بنی لاوی کهنه که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند و به جمیع مشایخ اسرائیل سپرد.

۱۰ و موسی ایشان را امر فرموده، گفت: «ه در آخر هر هفت سال، در وقت معین سال انفکاک در عید خیمهها،

چون جمیع اسرائیل بیابند تا به حضور یهوه خدای تو در مکانی که او برگزیند حاضر شوند، آنگاه این تورات را پیش جمیع اسرائیل در سمع ایشان بخوان.

۱۲ قوم را از مردان و زنان و اطفال و غریبانی که در دروازه های تو باشند جمع کن تا بشنوند، و تعلیم یافته، از یهوه خدای شما بترسند و به عمل نمودن جمیع سخنان این تورات هوشیار باشند.

۱۳ و تا پسران ایشان که ندانستند، بشنوند، و تعلیم یابند، تا مادامی که شما بر زمینی که برای تصرفش از اردن عبور میکنید زنده باشید، از یهوه خدای شما بترسند.»

پدشگویی سرکشی اسرائیل

و خداوند به موسی گفت: «ینک ایام مردن تو نزدیک است، یوشع را طلب نما و در خیمه اجتماع حاضر شویدی تا او را وصیت نمایم.» پس موسی و یوشع رفته، در خیمه اجتماع حاضر شدند.

۱۵ و خداوند در ستون ابر در خیمه ظاهر شد و ستون ابر، بر در خیمه ایستاد.

و خداوند به موسی گفت: «ینک با پدران خود میخوابی و این قوم برخاسته، در پی خدایان بیگانه زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها میروند، زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده، عهدی را که با ایشان بستم خواهند شکست.

۱۷ و در آن روز، خشم من بر ایشان مشتعل شده، ایشان را ترک خواهم نمود، و روی خود را از ایشان پنهان کرده، تلف خواهند شد، و بدیها و تنگیهای بسیار به ایشان خواهد رسید، به حدی که در آن روز خواهند گفت: «یا این بدیها به ما نرسید از این جهت که خدای مادر میان ما نیست؟» و به سبب تمامی بدی که کرده اند که به سوی خدایان غیر برگشته اند من در آن روز البته روی خود را پنهان خواهم کرد.

۱۹ پس الان این سرود را برای خود بنویسید و توان را به بنیاسرائیل تعلیم داده، آن را در دهان ایشان بگذار تا این سرود برای من بر بنیاسرائیل شاهد باشد.

۲۰ زیرا چون ایشان را به زمینی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم که به شیر و شهد جاری است، در آورده باشم، و چون ایشان خورده، و سیر شده، و فربه گشته باشند، آنگاه ایشان به سوی خدایان غیر برگشته، آنها را عبادت خواهند نمود، و مرا اهانت کرده، عهد مرا خواهند شکست.

۲۱ و چون بدیها و تنگیهای بسیار بر ایشان عارض شده باشد، آنگاه این سرود مثل شاهد پیش روی ایشان شهادت خواهد داد، زیرا که از دهان ذریت ایشان فراموش نخواهد شد، زیرا خیالات ایشان را نیز که امروز دارند میدانم، قبل از آن که ایشان را به زمینی که در باره آن قسم خوردم، در آورم.»

پس موسی این سرود را در همان روز نوشته، به بنیاسرائیل تعلیم داد.

ویو شع بن نون را وصیت نموده، گفت: «وی و دلیر باش زیرا که تو بنیاسرائیل را به زمین
که برای ایشان قسم خوردم داخل خواهی ساخت، و من با تو خواهم بود.»

و واقع شد که چون موسی نوشتن کلمات این تورات را در کتاب، تمام به انجام رسانید،
موسی به لایوانی که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند وصیت کرده، گفت:
«بن کتاب تورات را بگیرد و آن را در پهلوئی تابوت عهد یهوه، خدای خود، بگذارد
تا در آنجا برای شما شاهد باشد.

۲۷ زیرا که من ترمرد و گردن کشی شمار امیدانم، اینک امروز که من هنوز با شما زنده
هستم بر خداوند افتنه انگیز خواهید، پس چند مرتبه زیاده بعد از وفات من.

۲۸ جمیع مشایخ اسباط و سروران خود را نزد من جمع کنید تا این سخنان را در گوش
ایشان بگویم، و آسمان و زمین را بر ایشان شاهد بگیرم.

۲۹ زیرا امیدانم که بعد از وفات من خویشتن را بالکل فاسد گردانیده، از طریقی که
به شما امر فرمودم خواهید برگشت، و در روزهای آخریدی بر شما عارض خواهد شد،
زیرا که آنچه در نظر خداوند بد است خواهید کرد، و از اعمال دست خود، خشم خداوند
را به هیجان خواهید آورد.»

پس موسی کلمات این سرود را در گوش تمامی جماعت اسرائیل تمام گفت: سرود موسی
ای آسمان گوش بگیر تا بگویم.

و زمین سخنان دهانم را بشنود.

تعلیم من مثل باران خواهد بارید. و کلام من مثل شبنم خواهد ریخت. مثل قطره
های باران بر سبزه تازه، و مثل بارشها بر نباتات.

زیرا که نام یهوه را ندا خواهم کرد. خدای ما را به عظمت وصف نماید.

او صخره است و اعمال او کامل. زیرا همه طریقهای او انصاف است. خدای امین
و از ظلم میرا. عادل و راست است او.

ایشان خود را فاسد نموده، فرزندان او نیستند بلکه عیب ایشانند. طبقه کج و متمردند.
آیا خداوند را چنین مکافات میدهد، ای قوم احمق و غیر حکیم. آیا او پدر و مالک تو

نیست. او تورا آفرید و استوار نمود.
ایام قدیم را بیاد آور. در سالهای دهر به دهر تا مل نما. از پدر خود پیرس تا تورا آگاه سازد. و از مشایخ خویش تا تورا اطلاع دهند.
چون حضرت اعلی به امتهان نصیب ایشان را داد و بنی آدم را منتشر ساخت، آنگاه حدود امتهار اقرار داد، بر حسب شماره بنی اسرائیل.
زیرا که نصیب یهوه قوم وی است. و یعقوب قرعه میراث اوست.
او را در زمین ویران یافت. و در بیابان خراب و هولناک. او را احاطه کرده، منظور داشت. و او را مثل مردمک چشم خود محافظت نمود.
مثل عقابی که آشیانه خود را حرکت دهد. و بچه های خود را فرو گیرد. و بالهای خود را پهن کرده، آنها را بردارد. و آنها را بر پرهای خود ببرد.
همچنین خداوند تنها او را رهبری نمود. و هیچ خدای بیگانه با وی نبود.
او را بر بلندیهایی زمین سوار کرد تا از محصولات زمین بخورد. و شه در از صخره به او داد تا مکید. و روغن را از سنگ خارا.
کره گاوان و شیر گوسفندان را با پیه برهها و قوچها را از جنس باشان و بزها. و پیه گردهای گندم را. و شراب از عصیرانگور نوشیدی.
لیکن یسورون فربه شده، لگدزد. تو فربه و تنومند و چاق شدهای. پس خدایی را که او را آفریده بود، ترک کرد. و صخره نجات خود را حقیر شمرد.
او را به خدایان غریب به غیرت آوردند. و خشم او را به رجاسات جنبش دادند.
برای دیوهایی که خدایان نبودند، قربانی گذرانیدند، برای خدایانی که نشناخته بودند، برای خدایان جدید که تازه به وجود آمده، و پدران ایشان از آنها ترسیده بودند.
و به صخره های که تورا تولید نمود، اعتنا نمودی. و خدای آفریننده خود را فراموش کردی.
چون یهوه این را دید ایشان را مکروه داشت. چونکه پسران و دخترانش خشم او را به هیجان آوردند.
پس گفت روی خود را از ایشان خواهم پوشید. تا ببینم که عاقبت ایشان چه خواهد بود.

زیرا طبقه بسیار گردن کشند. و فرزندی که امانتی در ایشان نیست. ایشان مرابه آنچه خدا نیست به غیرت آوردند. و به باطل خود را خشمناک گردانیدند. و من ایشان مرابه آنچه قوم نیست به غیرت خواهم آورد. و به امت باطل، ایشان را خشمناک خواهم ساخت.

زیرا آتشی در غضب من افروخته شده. و تاها و به پایبندترین شعلهور شده است. و زمین را با حاصلش میسوزاند. و اساس کوهها را آتش خواهد زد. برایشان بلا یا راجع خواهم کرد. و تیرهای خود را تمام برایشان صرف خواهم نمود.

از گرسنگی کاهیده، و از آتش تب، و از وبای تلخ تلف میشوند. و دندانهای وحوش مرابه ایشان خواهم فرستاد، باز هر خزندگان زمین.

شمشیر از بیرون و دهشت از اندرون. ایشان را بی اولاد خواهد ساخت. هم جوان و هم دوشیزه را. شیر خواره را بارایش سفید هلاک خواهد کرد.

میگفتم ایشان را پراکنده کنم و ذکر ایشان را از میان مردم، باطل سازم.

اگر از کینه دشمن نمی ترسیدم که مباد مخالفان ایشان بر عکس آن فکر کنند، و بگویند دست ما بلند شده، و بیوه همه این را نکرده است.

زیرا که ایشان قوم کم کرده تدبیر هستند. و در ایشان بصیرتی نیست.

کاش که حکیم بوده، این را میفهمیدید. و در عاقبت خود تامل مینمودند.

چگونه یک نفر هزار را تعاقب می کرد. و دو نفر ده هزار را منبزم می ساختند. اگر صحره ایشان، ایشان را نفر وخته. و خداوند، ایشان را تسلیم ننموده بود.

زیرا که صحره ایشان مثل صحره مان نیست. اگر چه هم دشمنان ما خود، حکم باشند.

زیرا که موا ایشان از موهای سدوم است، و از تا کستانهای عموره. انگورهای ایشان انگورهای حنظل است، و خوشه های ایشان تلخ است.

شراب ایشان زهر آژدرهاست. و سم قاتل افعی.

۳۴ آیا این نزد من مکنون نیست. و در خزانه های من محتوم نی.

انتقام و جزا از آن من است، هنگامی که پایهای ایشان بلغزد، زیرا که روز هلاکت ایشان نزدیک است و قضای ایشان میشتابد.

زیرا خداوند، قوم خود را دآوری خواهد نمود. و بریندگان خویش شفقت خواهد کرد. چون ببینند که قوت ایشان نابود شده، و هیچکس چه غلام و چه آزاد باقی نیست.

و خواهد گفت: خدایان ایشان بکایند، و صخرهای که بر آن اعتماد میداشتند. ۳۸ که پیه قربانیهای ایشان را میخورند. و شراب هدایای ریختنی ایشان را مینوشیدند. آنها بر خاسته، شمار امداد کنند. و برای شما ملجا باشند. الان ببینید که من خود، او هستم. و یامن خدای دیگری نیست. من میمیرانم و زنده میکنم. مجروح میکنم و شفامیدهم. و از دست من رهانندهای نیست.

زیرا که دست خود را به آسمان برمی افرازم، و می گویم که من تا ابد الابد زنده هستم. اگر شمشیر ابراق خود را تیز کنم. و قصاص را به دست خود گیرم. آنگاه از دشمنان خود انتقام خواهم کشید. و به خصمان خود مکافات خواهم رسانید.

تیرهای خود را از خون مست خواهم ساخت. و شمشیر من گوشت را خواهد خورد. از خون کشتگان و اسیران، باروسای سروران دشمن.

ای امتهای قوم او آواز شادمانی دهید. زیرا انتقام خون بندگان خود را گرفته است. و از دشمنان خود انتقام کشیده و برای زمین خود و قوم خویش کفاره نموده است.

و موسی آمده، تمامی سخنان این سرود را به سمع قوم رسانید، او و یوشع بن نون.

۴۵ و چون موسی از گفتن همه این سخنان به تمامی اسرائیل فارغ شد،

به ایشان گفت: «ل خود را به همه سخنانی که من امر و زبه شما شهادت میدهم، مشغول سازید، تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده، تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند.

۴۷ زیرا که این برای شما امر باطل نیست، بلکه حیات شماست، و به واسطه این امر، عمر خود را در زمینی که شما برای تصرفش از اردن به آنجا عبور میکنید، طویل خواهید ساخت.»

اخبار رحلت موسی

و خداوند در همان روز موسی را خطاب کرده، گفت: «این کوه عباریم یعنی جبل نبوکه در زمین موآب در مقابل اریحاست برای، وزمین کنعان را که من آن را به بنیاسرائیل به ملکیت میدهم ملاحظه کن. ۵۰ و تودر کوهی که به آن برمی آبی وفات کرده، به قوم خود ملحق شو، چنانکه برادرت هارون در کوه هور مرد و به قوم خود ملحق شد. ۵۱ زیرا که شمدارمیان بنیاسرائیل نزد آب مر بیاقادش در بیابان سین به من تقصیر نمودید، چون که مرادرمیان بنیاسرائیل تقدیس نکردید. ۵۲ پس زمین را پیش روی خود خواهی دید، لیکن به آنجا به زمینی که به بنیاسرائیل میدهم، داخل نخواهی شد.»

دعای برکت موسی

و این است برکتی که موسی، مرد خدا، قبل از وفاتش به بنیاسرائیل برکت داده، گفت: «هوه از سین آمد، و از سعیر برایشان طلوع نمود. و از جبل فاران درخشان گردید. و با کورهای مقدسین آمد، و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد. ۳ به درستی که قوم خود را دوست میدارد. و جمیع مقدسانش در دست تو هستند. و نزد پایهای تونشسته، هر یکی از کلام تو بهر همد می شوند. ۴ موسی برای ما شریعتی امر فرمود که میراث جماعت یعقوب است. ۵ و او دریشورون پادشاه بود هنگامی که روسای قوم اسباط اسرائیل باهم جمع شدند. ۶ رو بین زنده بماند و نمیرد. و مردان او در شماره کم نباشند.»

و این است در باره یهودا که گفت: «ی خداوند آواز یهودا را بشنو. و او را به قوم خودش برسان. بهدستهای خود برای خویشان جنگ میکند. و تو از دشمنانش معاون میباشی.»

و در باره لاوی گفت: «میم و او را بر تو نزد مردم مقدس توست. که او را در مسامتحان نمودی. و با او نزد آب مر بیامنازعت کردی.

۹ که در باره پدر و مادر خود گفت که ایشان را ندیده‌ام و برادران خود را نشناخت. و پسران خود را ندانست. زیرا که کلام تورانگاه می‌داشتند. و عهد توران محافظت مینمودند.

۱۰ احکام تورابه یعقوب تعلیم خواهند داد. و شریعت تورابه اسرائیل. بخوربه حضور تو خواهند آورد. و قربانی‌های سوختنی بر مذبح تو.

۱۱ ای خداوند اموال او را برکت بده، و اعمال دستهای او را قبول فرما. کمرهای مقاومت کنندگانش را بشکن. کمرهای خصمان او را که دیگر بر نخیزند.»

و در باره بنیامین گفت: «ییب خداوند نزدی ایمن ساکن میشود. تمامی روز او را مستور می‌سازد. و در میان کتفهایش ساکن میشود.»

و در باره یوسف گفت: «مینش از خداوند مبارک باد، از نفایس آسمان و از شبیم، و از لجه‌ها که در زیرش مقیم است.»

۱۴ از نفایس محصولات آفتاب و از نفایس نباتات ماه.

۱۵ از نغزهای کوههای قدیم، و از نفایس تلهای جاودانی.

۱۶ از نفایس زمین و پری آن، و از رضامندی او که در بوته ساکن بود. برکت بر سر یوسف برسد. و بر فرق سر آنکه از برادران خود ممتاز گردید.

۱۷ جاه او مثل نخست زاده گاوش باشد. و شاخهایش مثل شاخهای گاو وحشی. با آنها متهارا جمع تابه اقصای زمین خواهد زد. و اینانند ده هزارهای افرایم و هزارهای منسی.»

و در باره زبولون گفت: «ی زبولون در بیرون رفتنت شاد باش، و تو ای بسا کار در خیمه های خویش.»

۱۹ قوم بارابه کوه دعوت خواهند نمود. در آنجا قربانی‌های عدالت را خواهند گذرانید.

زیرا که فراوانی در یار خواهند مکید. و خزانه‌های مخفی ریگ را.»

و در باره جاد گفت: «تبارک باد آنکه جاد را وسیع گرداند. مثل شیر ماده ساکن باشد، و باز و و فرقی را نیز میدرد،

و حصه بهترین را برای خود نگاه دارد، زیرا که در آنجا نصیب حاکم محفوظ است. و

باروسای قوم میآید. و عدالت خداوند و احکامش را با اسرائیل بجای آورد.»
 و در باره دان گفت: «ان بچه شیر است که از باشان میجهد.»
 و در باره نفتالی گفت: «ی نفتالی از رضامندی خداوند سیر شو. و از برکت او
 مملو گردیده، مغرب و جنوب را به تصرف آور.»
 و در باره اشیر گفت: «شیر از فرزندان مبارک شود، و نزد برادران خود مقبول شده،
 پای خود را به روغن فروبرد.
 ۲۵ نعلین تو از آهن و برنجست، و مثل روزهایت همچنان قوت تو خواهد بود.
 ۲۶ ای یثورون مثل خدا کسی نیست، که برای مدد تو بر آسمانها سوار شود. و در
 کبریای خود بر افلاک.
 خدای ازلی مسکن توست. و در زیر تو بازوهای جاودانی است. و دشمن را از
 حضور تو اخراج کرده، میگوید هلاک کن.
 ۲۸ پس اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد، و چشمه یعقوب به تنهایی. و در
 زمینی که پراز غله و شیر به باشد. و آسمان آن شبم میریزد.
 ۲۹ خوشا به حال تو ای اسرائیل. کیست مانند تو! ای قومی که از خداوند نجات
 یافتاید. که اوسپر نصرت تو و شمشیر جاه توست. و دشمنانت مطیع تو خواهند
 شد. و تو بلندیهای ایشان را پایمال خواهی نمود.»

رحلت موسی، مرد خدا

و موسی از عربات موآب، به کوه نبو، بر قله فسجه که در مقابل اریحاست برآمد، و خداوند
 تمامی زمین را، از جلعاد تا دان، به او نشان داد.
 ۲ و تمامی نفتالی و زمین افرایم و منسی و تمامی زمین یهودا را تا دریای مغربی.
 ۳ و جنوب را و میدان دره اریحارا که شهر نخلستان است تا صوغر.
 ۴ و خداوند وی را گفت: «ین است زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده،
 گفتم که این را به ذریت تو خواهم داد، تو را اجازت دادم که به چشم خود آن را ببینی
 لیکن به آنجا عبور نخواهی کرد.»
 پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب بر حسب قول خداوند مرد.
 ۶ و او را در زمین موآب در مقابل بیت فعور، در دره دفن کرد، و واحدی قبر او را تا امروز

- ندانسته است.
 ۷ موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت، و نه چشمش تار، و نه قوتش کم شده بود.
- ۸ و بنیاسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت.
- و یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود، چونکه موسی دستهای خود را بر او نهاده بود، و بنیاسرائیل او را اطاعت نمودند، و بر حسب آنچه خداوند به موسی امر فرموده بود، عمل کردند.
- و نبیای مثل موسی تا بحال در اسرائیل بر نخاسته است که خداوند او را روبرو شناخته باشد.
- ۱۱ در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد تا آنهارا در زمین مصر به فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش بنماید.
- ۱۲ و در تمامی دست قوی، و جمیع آن هیبت عظیم که موسی در نظر همه اسرائیل نمود.

lxxvi

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f